

# بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

صفحه ۸

## راه توده

شهرمداران حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۹ فروردین ۱۳۴۲ مطابق ۲۴ جمادی الآخر  
۱۴۰۳ و ۸ و ۸۰۳  
سال اول شماره ۳۶  
قیمت: ۱۰۰ ریال

## دشمنان انقلاب در صدد بازپس گرفتن مواضع از دست داده خود هستند

هشت اراستگرایان حامی کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران به بازسازی گذشته سیاه کمر بستند . جحت الاسلام فاضل هرندی در سمینار سراسری هیئت های هفت نفره واگذاری زمین (اصلاعات ۲۴ اسفند ۶۱) در پاسخ یکی از اعضای هیئت هفت نفره ، که عنوان کرده بود : بعضی می گویند : "بروید زمینهای خود را پس بگیرید" اظهار کرد : "زمین هایی که قبل از توقف بند "ج" و "د" واگذار شده ، شرعی و قانونی است . آیت الله موسوی اردبیلی در "بحث با اساتید حوزه" : "آنها در مورد بند "ج" (مربوط به موسساتی که با وام های کلان دولتی ایجاد شده) صانع می گفتند ؛ با وجود توقف بند "ج" ، چرا اینگونه صنایع به صاحبانشان پس داده نمی شود ؟ (این بنده خدا را به چه مناسبتی مالش را گرفته اند)" (کیهان ۲۶ اسفند ۶۱) .

این دو نمونه ، که در فاصله دو روز در روزنامه های ایران درج شده اند ، پرده از روی یک شیوه و "سیاست" راستگرایان و حامیان آنها ، که تا بین "اساتید حوزه" نیز نفوذ کرده اند و پایگاه دارند ، برمی دارند . پرده از روی این کوشش آنها بر می دارد ، که سعی در "بازسازی" گذشته سیاه می کنند . پرده از روی این واقعیت بر می دارد ، که هیچ وسیله ای ، پلی هیچ وسیله ای و هیچ شیوه ای را آنها برای دسترسی به اهداف خود "حرام" و غیر مجاز نمی دانند . بقیه در صفحه ۷

## قانون اساسی را نام و تمام اجرا کنید

"جرا اصل ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی را اجرا نمی کنید ؟"  
"جرا ضعف را از کج بیرون نمی آورید ؟"  
(آیت الله مشکینی - نماز جمعه ۵ فروردین ۶۲)

در روزهای آغازین پنجمین بهار آزادی "فریاد هشتاد دهند" روحانیونی که از اول در انقلاب بوده اند ، بلند شدند و اجرای قانون اساسی ، این خوبیهای شهیدان گلگون کفن انقلاب و دفاع از میهن انقلابی را می طلبد .

ما حمیانه ویدون کم و کاست ویدون هر نوع چشمداشتی این خواست روحانیت مبارز ، این خواست همه مسلمانان مبارز و پیرو راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را مورد پشتیبانی قرار می دهیم . ما یکبار دیگر اعلام می کنیم ، که پیروان سوسیالیسم علی در ایران ویا خارج از ایران به مثابه ندای پرتوان در دفاع از خواسته های زحمتکشان میهن ما و همه میهن دوستان و حامیان مستضعفان ، بسا تمام مسلمانان مبارز با خلق انقلابی دارای منافع مشترکند و از این رو مسلمانان مبارز و توده ای ها و فدائی های (اکثریت) و همه نیروهای راستین ضد امپریالیست و خلقی متحدان واقعی و طبیعی یکدیگرند .

اتحاد عمل (ونه وکدت اید ثولوی) ایسن نیروها در جبهه متحد خلق تنها شرط پیروزی خواست های خلق است ، تنها شرط اجرای اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است ، شرط بقیه در صفحه ۴

## هشدار باش اتحاد شوروی اسرائیل باید به بازی با آتش خاتمه دهد

دولت اتحاد شوروی در بیانه های درباره اوضاعی متشنج در خاور نزدیک ، ضمن فاش ساختن تدارک اسرائیل برای حمله راهزنانه به سوریه و اظهار مقامات اسرائیلی درباره اجتناب باید پیرو در چنین جنگی و آفرایش دینا محکوم ساخته و به اسرائیل هشدار داده است که به بازی با آتش خاتمه دهد در این بیانیه آمده است ، "اینبار نیز همچون گذشته کوشش میشود تا این برنامه های تجاوزکارانه تحت پوشش "حفظ امنیت" اسرائیل توجیه شود . اقدامات دفاعی سوریه در شرایط خطر فزاینده آن طرف اسرائیل نیز به عنوان بیانه انجام این تدارک محسوب میشود ."

در این بیانیه گفته میشود که همین چند پیشی اسرائیل تحت این بیانه لبنان تجاوز کرد موهرازی شهر بند بیگانه این کشور را بطرز فجیعی بقتل رسانده است . امروز بدین خاطر ضربات علیه سوریه در حال تدارک است که این کشور به سند اصلی جلوی تحقق برنامه های اشغالگرانه و هجران تل آویو بدل شده است . در هم کوبیدن سوریه و اوار ساختن آن به صرف نظر کردن از مقاومت علیه اعمال امپریالیسم و صهیونیسم هدفی است که از مدت ها پیش از طرف تل آویو و نقطه اوله دنبال میشود . اگر امروز تل آویو با آتشو شمشیر سرزمینهای عربی بقیه در صفحه ۷

## احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

ارسال نامه های اعتراضی به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران در رابطه با دستگیری رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول و سایر رهبران حزب توده ایران ، همچنان ادامه دارد .

در نامه حزب سوسیالیست پیشرو الجزایر به حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور از جمله میخوانیم :  
"این یازده آشتی توجیه ناپذیر ، لطفاً جدی به پرستش بین الطلی انقلاب اسلامی ایران بخصوص در میان نیروهای میهن پرست و مترقی"

الجزایر که از دستاوردهای مهم این انقلاب در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی حمایت می کنند ، وارد خواهد آورد .

در نامه پس از پرداختن به تاریخچه مبارزاتی حزب توده ایران و رهبران آن طی دوران دیکتاتور شاه و سپس خط و شی پشتیبانی انتقادی و سازنده حزب از دستاوردهای مثبت انقلاب و ذکر این مسأله مهم که این عمل چگونه نفست و وشایعه پراکنی تفرقه افکنان ، محافل ارتجاعی و ماجراجویان چپ نما را برانگیخته است ، آمده است :  
بقیه در صفحه ۲

## زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی

# احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

بقیه در صفحه ۱

"این یازد اشتها تنها مایه خشودی محافل امپریالیستی، صهیونیستی و ارتجاعی میشود، زیرا که به منافع آنان خدمت می کند"

سهس روی این مسأله مهم تکیه میشود که چگونه این برنامه از طرف محافل ارتجاعی و محافظه کار طرح ریزی و بپور اجرا درآمده است و محافل بالا چگونه با جلوگیری از اجرای اصلاحات مترقی بنبغ زحمتکشان، توطئه بزرگی را طرح ریزی کرده اند که این یازد اشتها بخشی از آنست و روی این مسأله مهم تکیه می کند که: "این یازد اشتها تهاجم به حقوق میهن پرستان و زحمتکشان شریف ایران است و به دشمنان انقلاب بپانه جدیدی میدهد که این بار فاکتی واقعی را برای تأیید شایعه پراکنی های خود در رابطه با زیر پا گذاردن حقوق بشر و مکرسی در ایران، از طرف حاکمیت را عنوان کنند"

در پایان ضمن تأکید مجدد بر خطری که در لخطات بحرانی کمونی انقلاب ایران راتهدید می کند و ابراز نگرانی در مورد این اعمال سرکوبگرانه، چنین آمده است:

"کمونیستها الجزیر، هواداران انقلاب ایران هستند، از شما درخواست می کنند، همراه با سایر رهبران آگاه و میهن پرست انقلاب ایران، در زمینه آزادی رهبران حزب توده که بناحق در زندان بسر می برند، اقدام کنید، زیرا که تهادار این صورت انقلاب میهن شما وجهه دمکراتیک و مترقی کسب کرده و فقط از این طریق، حمایت مردم ما و کلیه نیروهای هوادار صلح و ترقی را به خود جلب خواهد نمود"

حزب چپ کمونیست های سوئد در اطلاعیه مطبوعاتی خود در روز ۲۳ فوریه بمناسبت یازد اشت رفیق کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران چنین می نویسد: "ما هم مانند تمام مردم سوئد از واژگون شدن رژیم شاهخوشتا شدیم و امید وار بودیم انقلاب به دموکراتیکیزه شدن کشور و بهبود وضع زندگی توده های مردم منجر گردد. رژیم جدید انقلابی ایران در ابتدا در این جهت عمل میکرد. ایران از جنگال امپریالیستهای آمریکائی نجات یافت. ولی بعد ها، برخلاف هدفهای انقلاب و قانون اساسی کشور، تضییقات علیه حقوق دموکراتیک و آزاد بپسای سیاسی آغاز شد. سهس رژیم ایران شروع به تعقیب حزب توده ایران کرد که تصور می نمود با پیروزی انقلاب امکان فعالیت و آزادی عمل برای نیروهای مترقی فراهم شد. ششم فوریه بسیاری از رهبران حزب یازد اشت شدند. در میان آنان کسانی هستند که زندگی خود را وقف مبارزه علیه رژیم شاه کرده و در زندانهای او شکنجه شده اند. در پایان حزب چپ کمونیستهای سوئد علیه یازد اشت رهبران حزب توده ایران

اعتراض کرده است.

بطوریکه روزنامه اونیٹا ارگان حزب کمونیست ایتالیا در تاریخ ۱۷ فوریه می نویسد، دبیرخانه حزب کمونیست در یکی از اسناد خود "عمیقترین نگرانی خویش را بمناسبت یازد اشت رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر رهبران و فعالین حزب ابراز داشته است. حزب کمونیست ایتالیا احساسات همبستگی خود را نسبت به رفیق کیانوری و دیگر رفقا که از این تدابیر تضییقی صدمه دیدند بیان کرده است"

حزب سوسیالیست استرالیا طی نامه ای به سفارت جمهوری اسلامی ایران در این کشور مینویسد:

خواهش می کنیم شدیدترین اعتراض هر حزب سوسیالیست استرالیا را علیه یازد اشت رهبران حزب توده ایران و از جمله دبیر اول حزب به دولت متبوع خود اطلاع دهید.

حزب توده ایران همیشه در راستای منافع توده های زحمتکش مردم ایران عمل کرده و بسا امپریالیسم مبارزه می نموده است. هنگامیکه جنبش انقلابی به رهبری آیت الله خمینی با موفقیت رژیم شاه را که مورد پشتیبانی امپریالیسم آمریکا بود سرنگون کرد حزب توده ایران همراه با نیروهای میهن پرست گام بر میداشت. این حزب پس از پیروزی انقلاب بعنوان یک حزب مسئول از تدابیر مزد می و ضد امپریالیستی خط اقسام خمینی همیشه پشتیبانی میکرد. ماست. این هجوم اخیر تنها میتواند بنود کسانی باشد که با منافع واقعی جمهوری مخالفند. حزب سوسیالیست استرالیا خواهان قطع پیگرد علیه حزب توده ایران است و میخواهد که به این حزب اجازه داده شود کار علنی خود را ادامه دهند.

آلن میلنر دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست استرالیا

روزنامه "خرافکی" ارگان حزب آکل قبرس یازد هم مارس در ارتباط با موضع گیری ۲۶ حزب کمونیستی و کارگری شرکت کننده در کنفره حزب کمونیست ایتالیا مینویسد: "یازد اشت گسروه بزرگی از رهبران و اعضای حزب توده ایران و خطری که جان آنها را تهدید می کند موجب اعتراض نیروهای دموکراتیک در سراسر جهان شده است. در میان این دستگیرشدگان رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز وجود دارد."

۲۶ حزب کمونیست و کارگری در یک سند مشترک خواهان قطع هجوم نیروهای راست واپسگرا علیه حزب توده ایران و آزادی

رهبران و اعضای حزب گردیده اند.

حزب توده های مترقی گویان در یک بیانیه مفصل رویداد های اخیر پیرامون یازد اشت رهبران و اعضای حزب توده ایران را مورد بزرگ قرار داده و نگرانی عمیق خود را ابراز داشته است. این حزب خواهان آزادی رهبران و امکان فعالیت علنی و آزادی نشریات شده است.

این بیانیه در بولتن خارجی این حزب به چاپ رسیده است.

در بیانیه ای که حزب کمونیست هند وستان روز دهم فوریه در این رابطه انتشار داده است، ضمن اشاره به اتهامات جعلی واهی "جاسوسی" و "اقدامات ضد دولتی" که به رفقای حزبی وارد آمده است، و بر شفرن سابقه مبارزاتی رفقا و حزب طی دوران ۴۱ ساله تأسیس آن، آزادی فوری آنان جواسته شده است.

روز چهارشنبه ۱۶ مارس ۱۹۸۳ بمناسبت صدمین سال درگذشت کارل مارکس مراسمی از طرف حزب کمونیست بریتانیا در لندن برگزار گردید. در این مراسم که در آن عدده کثیری شرکت کرده بودند بدعت کمیته اجرایی حزب کمونیست بریتانیا، اناتولی اگوزف مدیر استیتوی مارکسیسم - لنینیسم مسکو و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و همچنین هورست دوهلس و دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک آلمان نیز شرکت کرده و در باره کارل مارکس و مارکسیسم - لنینیسم در زمان حاضر صحبت کردند.

بیل دن مسئول قسمت لندن حزب کمونیست بریتانیا که مسئولیت جلسه را بعهده داشت بنا قرائت قسمتی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که بمناسبت یازد اشت غیرقانونی رفیق کیانوری و سایر اعضا رهبری حزب صادر شده خواستار اقدامات همه جانبه و سریع برای حفظ جان و آزادی آنها و همچنین آزادی فعالیت حزب توده ایران طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شد.

همچنین روزنامه انگلیسی "مورنینگ استار" در شماره ۱۷ مارس خود می نویسد: "اکنون که مسائل اساسی اجتماعی در ایران در دستشور روز قرار گرفته و برنامه های حزب کمونیست این کشور نظر توده های وسیعی را بخود جلب کرده است، عناصر راستگرا در بین مسئولین اسلامی این کشور از حسیه اختناق بعنوان تنها راه مقابله با اجرای برنامه های مترقی استفاده می کنند. مطالب بالا هشدار می بود که در این هفته از طرف حزب توده ایران داده شد که در آن بقیه در صفحه ۳

# رفیق ابوتراب باقرزاده: ۲۵ سال استقامت و مصاف ایدئولوژیک در زندان



رفیق ابوتراب باقرزاده، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، آزاد مردی که به "جرم" سیا، ساواک، موساد ساخته هم از بیست و پنج سال زندان، بار دیگر در بند است.

رفیق باقرزاده یکی دیگر از رهبران حزبی است که سراسر زندگی آگاه خود را وقف آزادی و بهرگز توده زحمتکش و استقلال میهن ما ایران کرده است.

ما با اطمینان بی‌تزلزل میدانیم که ستم‌های تاریخ به هر شکل که باشد، گذراست. ولی از کسانی هم بپرسید که بار این ستم را سالیان دراز به دوش می‌کشیدند، از بازماندگان بپرسید کس که سراسر بلدای استبداد، مقام استبداد و رژیم‌ها و اینک پس از انقلاب پیروزند مردم دوباره در بندند. کسانی که قهرمان بودند و یک لحظه به قهرمانی خود نمی‌اندیشیدند.

کسانی که در دادگاه جنایی دولت شاهنشاهی، در محاصره کارآگاهان سیا و ساواک، در محاصره داورانی با ردای سیاه و با روح سیاه، با دلاری یک پهلوان و با وظیفه‌شناسی یک سرباز سخن گفتند، سخنانی که طنینش هنوز دیوارها عصر ما را می‌لرزاند.

رفیق باقرزاده، مردی که روح پر نشاط، انرژی جوشان و اعتقاد راسخش به راه حزب شاخصی‌های او به عنوان رزمنده و انسان است.

رفیق باقرزاده، در چهاردهم آذرماه ۱۳۰۹ در روستای چهره، از بلوک بابل کنار، در مادران، در یک خانواده روستایی تولد یافت و دوران کودکی را در همین روستا گذراند و دبستان را نیز در ده درازکلا و سال آخر آنرا در دبستان گنج افروز شیرگاه به پایسان رساند.

او در تمام این مدت از نزدیک با زندگی و شرایط کار و خواسته‌های دهقانان مازند رانی آشنا بود و در آن محیط بزرگ شد. رفیق باقرزاده در سال ۱۳۲۳ به بابل رفت تا دبیرستان را بخواند و تا سال ۱۳۲۹ در همان جا درس می‌خواند و ضمناً شاهد اوچگیری مبارزات مردم و نبرد ضد استعماری و ضد استبدادی خلق ما بود و از همان موقع با تمام قلب و اندیشه خود با این نبرد عظیم پیوست.

رفیق باقرزاده پس از ورود به دانشکده شهریارانی در سال ۱۳۳۰ به عضویت در حزب توده ایران (سازمان نظامی) درآمد. وی هنگامی که در سال ۱۳۳۱ از دانشکده افسری شهریارانی فارغ التحصیل گردید، وارد دانشکده حقوق شد.

رفیق باقرزاده ابتدا در کلاشتری تهران خدمت می‌کرد و بعد به زندان قصر منتقل شد و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نگهبان دارالتادیب بود.

پس از کودتا رژیم او را مظنون به فعالیت سیاسی تشخیص داد، ولی چون سند و مدرکی نداشت او را به بند عباس تحمید کرد. بعد از کشف شدن شبکه سازمان نظامی حزب توده ایران، رفیق باقرزاده، به علت عضویت در سازمان و به اتهام فعالیت به خاطر سرنگونی رژیم، دستگیر شد. او هم مانند عده‌ای دیگر از رفقای هم‌رزمی به اعدام محکوم شد. در این دوران او روزها هفته‌های دشواری را گذراند، زیر شکنجه تیرباران جمعی از بهترین رفقا و دوستانش بود. روزها هفته‌هایی که از شکنجه‌های مستقیم که به خود او وارد می‌شد، بی‌بسیار دشوارتر گذشته است. سرانجام پس از یکسال حکم اعدام به محکومیت ابد تبدیل شد. تنها انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران بود که توانست، در همان امواج کوبنده پیش از پیروزی نهایی‌اش، در آبانماه ۵۷، درهای زندانها را بگشاید و رفیق ابوتراب باقرزاده را، پس از ریح قرن زندانی بودن در سیاه‌چالهای رژیم سلطنتی، آزاد سازد.

رفیق باقرزاده این مدت را در زندانهای قصر، بزازجان، مشهد و اوین به سر برده است. این ۲۵ سال، سالهای نبرد دشوار، ولی قطع نشدنی، سالهای استقامت و مردانگی، سالهای آموختن و به دیگران آموختن بود. رفیق باقرزاده تمام این زندانها را به محله مبارزه بدل کرد، خودش آبدیده تر و پخته تر شد، دهها جوان پرشور، ولی بی‌تجربه را تربیت کرد و راه درست و پرشور مبارزه را به آنها آموخت. در مصاف‌های ایدئولوژیک درون زندان فعالانه شرکت کرد. هفته‌ها در شرایط شکنجه‌های مداوم، آزار و اذیت، تبعیدها و زورکوبی‌ها در شرایطی که تنها اراده پولادین و عشقی بی‌کران به خلق زحمت‌کش قادر بود در آن تاب بیاورد و پیروز شود.

**احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می‌کنند**

بقیه از صفحه ۲

خواستار آزادی دبیر اول حزب نورالدین کبکانوری و چند تن دیگر از اعضا، کمیته مرکزی که در اول فوریه در تهران بازداشت شده‌اند گردید. در هشتاد حزب توده ایران همچنین آمده است: "کشور با دشواریهای اقتصادی و اجتماعی جدی روبروست، گرانی پیدا می‌کند، توده‌های ستمکش از تأمین حداقل زندگی عاجز ماندند و دولت موظف است که به نیاز آنها پهن صورت پاسخی بدهد."

روزنامه "مورنینگ استار" در پایان بسیاری خوانندگان خود آدرس دریافت نشریات حزب توده ایران در بریتانیا را درج کرده است.

# درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

# قانون اساسی را نام و تمام اجرا کنید

بقیه از صفحه ۱

آن است که بتوان بر روی برنامه مشترکی که در چهارچوب همین قانون اساسی موجود تنظیم شود، قدم به قدم، اما با قدمهای استوار و روشن و بیکی و قاطع، مستضعفان را از کوخ بیرون آورد!

**چرا اتحاد عمل مسلمانان مبارز و پیروان سو-سیالیسم علمی شرط اجتناب ناپذیر تحقق ضامع خلق است؟**

این سوالی است که به درستی هر روز بیشتر و روشنتر از طرف زحمتکشان و نیروهای راستین ضد امپریالیسم و مردمی مطرح می شود و یکبار دیگر دهها سال است که زحمتکشان میهن ما بسرای دسترسی به خواست های حق و انسانی خود می رزمند. از جمله و برای نمونه زحمتکشان روستا در میهن ما خواستار آنند، که زمین متعلق به خود را شخم بزنند و نه برده و بنده و رعیت اربابان و خان ها و زمین داران بزرگ باشند. خیر این خواست در تمام جنبش های دهقانی قرن اخیر در میهن ما مطرح و در واقع یکی از وظائف انقلاب مشروطیت نیز بوده است.

اربابان، فئودال ها و خان ها و زمین داران بزرگ، همه و همه، در تمام طول این سالها از همان نوع "مسلمانان" بودند، که اکنون نیز هستند: معاویه ها، از همان "اسلام" دفاع کردند، که اکنون نیز می کنند: "اسلام معاویه ها" اسلام "آمریکائی".

منافع طبقاتی آنها، که غارت زحمتکشان ده محتوا آنرا تشکیل می دهد، همان بوده است، که اکنون نیز هست، آنها از همان مالکیت فاسدانه و جبارانه خود دفاع می کردند، که اکنون نیز می کنند، آن ها این مالکیت فاسدانه را (که امام خمینی در باره آن می گویند: "من خودم از ظلم و ستم خوانین و فئودالها اصلاح دارم، که چگونه مردم فقیر را به زور بکار می گرفتند، چگونه با زجر شکنجه آنها را وادار بکار می کردند" (سخنرانی در مجمع شورای نگهبان - اطلاعات ۲۲ اسفند ۱۳۶۱)) "مقدس" اعلام می کردند و اکنون هم این مالکیت فاسدانه را "مقدس" اعلام می کنند!

به عبارت دیگر در تمام طول این سالها خان ها و فئودالها، بزرگ زمینداران و مالکین که "معلوم" است که... اموالشان روی مشروعیست به ایمن زیادی نمی شود. (امام خمینی) ما هم همان "ایدئولوژی" اسلام معاویه" و "اسلام آمریکائی" به جنگ خواست دهقانان رفته بودند، که اکنون هم میروند.

"خوی زمینخواری، باغذاری و کلاخ نشینی" (امام خمینی - بیانات به مناسبت نوروز ۱۳۶۲) این غاصبین ابزار اعمال ظلم آنها بوده است و زحمتکشان را با این ابزار "یک عمر زیر ظلم کلاخ نشین ها" نگاه داشتند (همانجا).

"ایدئولوژی" این "غاصبین" و "ظالمین" این خان ها و فئودالها و بزرگ زمین داران در کشورهای اسلامی رنگ "اسلامی" دارد، در جوامع غیر اسلامی، رنگ مسیحی و انواع دیگر آن را دارد. این "ایدئولوژی"، چیزی است

ضد ایدئولوژی زحمتکشان، که در میهن انقلابی ما عمدتاً زیر پرچم "اسلام انقلابی" می ریزد و در بین خلق های دیگر و در جنبش های ضد امپریالیستی و خلقی دیگر به نوعی دیگر مطرح است.

این دو "ایدئولوژی": ایدئولوژی بزرگ زمین داری و ایدئولوژی ضد آن، که متعلق به خلق است، در مقابل هم قرار دارد. همانطور که مدافعان ایدئولوژی اول، ایدئولوژی بزرگ زمین داران در تمام کشورها و با وجود تمام رنگ آمیزی های متفاوت آن، متحدان طبیعی یک-دیگرند، مدافعان "ایدئولوژی" ضد فئودالی در تمام کشورها، با تمام رنگهای متفاوت نظرات و "ایدئولوژی" آنها نیز متحدان طبیعی یکدیگرند. این دو ایدئولوژی، هر کدام با مدافعان خود در یک سمت این صاف تاریخی قرار گرفته اند.

به طریق اولی مدافعان این دو ایدئولوژی فئودالی و ضد فئودالی در یک جامعه نیز در مقابل هم قرار گرفته اند، آنها که در آن سوی صاف قرار دارند، متحدان طبیعی یکدیگرند و این نیز مدافعان طبیعی آنهاست.

ابزار اختلاف انداختن و ایجاد تشتت بین آنها که دارای ایدئولوژی ضد فئودالی هستند، یکی از عمده ترین ابزار ادامه تسلط آنهاست است که از ایدئولوژی فئودالی دفاع می کنند.

آنها در تمام طول تاریخ بشری از این ابزار جنایتکارانه به نفع خود استفاده کرده اند و بین سیاه و سفید، بین زرد و سرخ اختلاف انداخته اند تا "ایدئولوژی" خود و منافع طبقاتی و ظالمانه خویش را حفظ کنند.

اکنون در میهن ما آنهایی که دارای "ایدئولوژی" ضد فئودالی هستند، هم مسلمانان مبارز می باشند، که پیرو "اسلام انقلابی" اند و هم توده ای ها و فدائی ها (اکثریت) اند، که با جسارت و راستی نظریات و اعتقادات خود را اعلام می کنند. و این صراحت دلیل صداقت آنهاست.

**این دو گروه مدافعان راستین و طبیعی یکدیگر در نبرد علیه ایدئولوژی فئودالی هستند!**

بدیهی است که مدافعان ایدئولوژی فئودالی و خود فئودالها، خان ها، بزرگ زمینداران نمی توانند و نمی خواهند به این "یکی بودن" ایدئولوژی ضد فئودالی، نیروهای مردمی در نبرد خود با بزرگ زمین داران تن بدهند و می گویند که این نیروها را به تفرقه بکشاند، تا حاکمیت خود را حفظ کنند و ابدی سازند.

با این تحلیل روشن و صریح و صادقانه است، که ما توده ای ها و فدائی های (اکثریت) در خارج از کشور، به پیروی از حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از مسلمانان مبارز، از روحانیت مبارزی که "از اول در انقلاب بوده اند"، از خلق ایثارگری، که یک عمر زیر ظلم کلاخ نشین ها مانده اند، بدون چشمداشت

دفاع و پشتیبانی می کنیم

دفاع ما از این مسلمانان مبارز، از این خوا خلق برای تامین زندگی بهتر و آینده مطمئن و فارغ از ظلم، که برنامه همیشگی حزب ما بوده است و فرزندان فدائیان آن در این راه جانبازی های اعجاز آفرین کرده اند، دفاعی استراتژیک و طولانی، کوششی مداوم و خستگی ناپذیر است، ما به روشنی می بینیم، که مسلمانان مبارز به تنها قادر نیستند و تاکنون قادر نشده اند با دفسم خرابکاری و مخالفت صاحبان "ایدئولوژی فئودالی" منافع زحمتکشان و مستضعفان را تامین کنند، بلکه مجبور شده اند زیر فشار این نیروها مواضع چشمگیری را از دست بدهند. قانون اساسی و اصولی که اجرای آن را آیت الله مشتی اکتون طلب می کند از موضعی به مراتب قوی تر و قاطع تر در مجلس خبرگان تدوین شد و به تصویب رسید از آن که اکنون اجرای این اصول طلب می شود و یا در مقابل مخالفان قانون اساسی به مقاومت دست زده می شود.

بدون تداوم طولانی همکاری مسلمانان مبارز با پیروان سوسیالیسم علمی در میهن ما دسترسی به اهداف ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ممکن نیست. این واقعیت را دشمنان انقلاب می دانند و به همین علت تفرقه اندازی می کنند. این است علت دفاع و پشتیبانی طولانی و استراتژیک ما از مدافعان اهداف انقلاب.

**یکدار کوشش دشمنان خلق را مشترکاً خنثی سازیم.**

**بگذار "جبهه متحد خلق" - برنامه عمل حداقل مشترک - را تنظیم کنیم و آنرا تداوم دیر نشده است به مورد اجرا در آوریم.**

قدم اول در این راه آزاد ساختن بزرگمردانی است، که اکنون جمهوری اسلامی را به زندانبان آنان تبدیل کرده اند، قدم اول در این راه آزاد ساختن قوری و بدون قید و شرط رفیق نورالدین کیانوری، طراح و سازمانده این برنامه علمی و ملی برای به بصرف رساندن انقلاب است!

**امام خمینی: مردمی که به قانون اساسی رای داده اند ملتزم اند که قانون اساسی اجرا شود**

# برنامه مشترک علیه امپریالیسم و جنگ

اوضاع بین المللی پس از جنگ دوم جهانی در هیچ زمانی تا این حد جدی نبوده و نگرانی برای تکامل مناسبات بین المللی نیز بیشتر از امروز نبوده است.

محافل رهبری ناتو و قبل از همه دستگامریکان در جهت کشف برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی حرکت می کنند و بدنیال سیاست تسلیماتی بیسابقه ای هستند. سیاستمداران مسئول دولت آمریکا طرح خطرناک امکان جنگ هسته ای محدود را آشکارا تبلیغ می نمایند. هدف از این کار عادت دادن افکار عمومی جهان به امکان انجام چنین جنگی است.

تا حال هیچگاه جنبش اجتماعی برای رفع خطر جنگ هسته ای، خلع سلاح و صلح، از گسترش و تأثیر کنونی برخوردار نبوده است. مهم ترین ویژگی مرحله کنونی جنبش صلح، در شرکت گسترده ترین اقشار مردم، صدها میلیون انسان، منجمله از کشورهای آسیا و آفریقا نهفته است.

عواقب علاج ناپذیر سابقه تسلیماتی بسیاری خلقهای آسیا و آفریقا هر روز نمایان تر میشود. اولاً، دولت های کشورهای آسیا و آفریقای آسیا با شرکت در سابقه تسلیماتی مجبور میشوند که بیوسته هزینه های نظامی بیشتری را متحمل شده و منابع فکری، مواد خام و انرژی قابل ملاحظه ای را از اقتصاد ملی حذف کنند. ثانیاً تمام عوارض و بیماریهای درونی سرمایه داری امروزی، همچون تورم، افزایش قیمتها و دیگر پدیده های بحرانی، تحت شرایط سابقه تسلیماتی و تشنج فزاینده بیس-المللی به آسانی به بسیاری از کشورهای در حال رشد منتقل میگردد و توان مقاومت کشورهای جوان آسیایی و آفریقای در مقابل فشار شرکت های چند-ملیتی کاهش مییابد. ثالثاً کشورهای امپریالیستی، در جو کشمکشهای نظامی هیچ فرقی میان خودی و غریبه نگذاشته و هر روز آشکارتر در امر داخلی کشورهای در حال رشد مداخله میکنند.

در دوالی سه دهه اخیر تحولات عظیمی در جهان رخ داده است. سیستم استعماری در شکل سنتی خود فروپاشیده است. در مدت نسبتاً کوتاه تاریخی، نظام سرکوب و سلطه بر خلقها که توسط سرمایه داری طی قرون ایجاد شده بود منفسون گردید. بیش از صد دولت مستقل جدید بر خرابه های امپراطوریهای استعماری ایجاد شد. امروزه در جهان بیش از صد و شصت کشور مستقل وجود دارد. اکثر آنها استقلال ملی خود را در پی فروپاشی نظام استعماری امپریالیستی کسب کرده اند. ارتباط ارگانیک میان مبارزه آزاد بیخس خلقها به قاره و وجود نظام سوسیالیستی در جزیره و تحلیل شتاب روند انقلابی جهان غیر قابل انکار است. جنبش آزاد بیخس ملی از یک طرف آن نظر-یات و اشکال مبارزاتی را آموخته است که در روند تحولات در کشورهای سوسیالیستی بوجود آمده است و از طرف دیگر مبارزه آزاد بیخس خلقهای کشورهای در حال رشد بر کمک پیوسته فزاینده سر یجا ایران داشت که جنبش آزاد بیخس ملی وارد مرحله جدیدی شده است.

وجه مشخصه مرحله کنونی با سمت گیری کشورهای آزاد شده بسوی صلح و امنیت خلقها و هم-چنین پیشرفت اجتماعی معین میگردد.

رد قاطع اشکال مدرن وابستگی تحمیل شده از طرف امپریالیسم و انتخاب راه دفاع از صلح و عدم تعهد و مبارزه برای یک نظام نوین اقتصادی از طرف کشورهای آزاد شده سمت اصلی این روند را تشکیل میدهد.

در عین حال روند تأثیر میان کشورهای در حال رشد نیز در جریان است. این روند را میتوان با سطح متفاوت تکامل اقتصادی-اجتماعی و

فرهنگی - تاریخی، آرایش مشخص نیروهای طبقاتی داخلی، مواضع متفاوت این کشورها در اقتصاد جهانی و عوامل دیگری توضیح داد.

۲۰ کشور با سمت گیری سوسیالیستی در آسیا و آفریقا در پیشاپیش مبارزه علیه امپریالیسم، علیه اشکال نوگانه استعمار و در راه تحولات بنیادی اجتماعی ترقیخواهانه در حرکتند.

البته میان این کشورها نیز بعضی تفاوت ها موجود است. نه تنها در رابطه با مدت زمان تکامل در سمت گیری کنونی، بلکه در رابطه با بقیه در صفحه ۱۷

## کنفرانس مطبوعاتی آندره گرومبکو

آندره گرومبکو، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، معاون اول نخست وزیر و وزیر امور خارجه این کشور در هفتگذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی بین المللی شرکت کرد.

وی سیاست اتحاد شوروی در باره مسائل صلح و تنش زدائی و اوضاع جهانی را برای خبرنگاران خارجی و داخلی تشریح کرد و به پرسشهای آنان پیرامون آن پاسخ گفت.

وی در توضیحات خود پیرامون مواضع دولت متبوعش اظهار داشت که سیاست اتحاد شوروی متوجه حفظ صلح جهانی، کاهش تشنجات فزاینده بین المللی و برگرداندن چرخ جهانی سابقه تسلیماتی و از این طریق تحدید و کاهش تدریجی و سپس نابودی کامل تمام سلاحهای هسته ای است. وی با اشاره به سخنانهای اخیر ریگان و ادعای وی مبنی بر نشت گرفتن سیاست آمریکا از ارزشهای اولی اخلاقی گفته که شوروی که در حال تدارک مقدمات جنگی از نوع هسته ای است، جنگی که در آن میلیون ها انسان جان خواهند باخت و اجازه ندارند از دفاع از ارزشهای والای اخلاقی سخن گوید.

وی با خاطر نشان ساختن مبس اساسی سیاست خارجی دولت خود که در جهت صلح و تنش زدائی و دوستی خلقها و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها سیر میکند تذکر داد که اتحاد شوروی گزارا پیشنهادهای کاملی برای جلوگیری از جنگ هسته ای و نیز خلع سلاح ارائه داده است. وی در این رابطه ابتکارات متعدد اتحاد شوروی از جمله پیشنهاد برای انعقاد قرارداد بین المللی پیرامون منع استعمال سلاح هسته ای و همچنین اقدامات اخیر یکجانبه اتحاد شوروی مبنی بر خودداری از پیشدستی هسته ای و خصوصاً پیشنهادات اخیر پیمان ورشو درباره صرف نظر از اعمال قهر را نام برد.

آندره گرومبکو تأکید کرد که کشورهای عضو پیمان ورشو آماده اند تا هر چه زودتر موافقتنامه ای با پیمان ناتو در این رابطه به امضا رسانند.

وی گفت این پیشنهادات تبلیغات عوام فریبانه غرب درباره وجود حتی "خطر حمله اتحاد شوروی با سلاحهای متعارفی" را خنثی میسازد.

وی گفت سیاست آمریکا برعکس اتحاد شوروی و چنانکه در مذاکرات دو کشور در ژنو دنبال میشود در جهت انصراف از انعقاد قرارداد و افزایش

تشنج سیر میکند. هدف اصلی از در پیش گرفتن چنین سیاستی تشدید سابقه تسلیماتی و وخیمتر کردن مناسبات با اتحاد شوروی و افزایش بی حد و حصر بودجه نظامی و بالاخره منفرد کردن این کشورها نیست که آماده مذاکره با اتحاد شوروی حول مسائل خلع سلاح اند. آمریکائی ها فکر میکنند اگر فشار هر چه بیشتری بر اتحاد شوروی وارد کنند شانسان انعقاد قراردادی کمابیششان باشد افزونتر میگردد.

وی خاطر نشان ساخت که این سیاست، عدم آگاهی درباره اتحاد شوروی و "خصوصیات" ما را میسراند. وی با اشاره به راه حل میان "ریگان" و اظهار داشت که این پیشنهاد غیر جدی بود و برای اتحاد شوروی غیر قابل قبول است. "زیرا اولاً، روشکهای از جمله میانبرد انگلستان و فرانسه را بحساب نمی آورد. ثانیاً صدها بمب افکن هسته ای آمریکائی را که در اروپای غربی و بر ناوهای هواپیمابر مستقرند در نظر نمیگیرد و ثالثاً روشکهای میانبرد اتحاد شوروی را که در مناطق آسیایی آن مستقرند و هیچ خطری برای اروپای غربی ندارند را به میان نمیکشد.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی اظهار داشت که اگر "راه حل میان" ریگان تحقق پذیرد و ناتو که اکنون ۵۰ درصد بیشتر از اتحاد شوروی کلاهک هسته ای در اختیار دارد و برتری نظامی خود را به برابر خواهد رساند. اتحاد شوروی هم در رابطه با روشکهای میانبرد و هم استراتژیک از اصل برابری و امنیت برابر پیروی میکند. اما سیاست آمریکا در جهت نقض بر هم زدن این اصل سیر میکند. اگر این عمل توسط آمریکا و ناتو انجام پذیرد نباید هیچ شکی داشت که اتحاد شوروی قادر به دفاع از خود هست و خواهد بود و تمام امکانات آنرا نیز در اختیار دارد. اتحاد شوروی به خاطر آنرا قرار دادی پیرامون خلع سلاح هسته ای را اروپا از خود نرمش نشان خواهد داد. وی به خبرنگاران غریبی حاضر تذکر داد که در غرب حقایق درباره جواب سیاسی و نظامی استراتژیک و علمی - فنی مسائل تحدید تسلیمات به مردم گفته نمیشود. در عوض ادعاهای دروغین ناصحیح و تحریفات و جعلیات به جای ارقام دقیق منتشر میگردد. در مجموع تبلیغات فریبکارانه به مردم حقیقت نمیشود. طوری که مردم این کشورها تصویر روشنی از مسائل دارند.

# مأموران "کاکب" که "اینتلجنس سرویس" آنرا لو داده، جاسوسان "سی آی ای" بوده اند!

بازداشت رفیق نورالدین کیانپوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر رهبران و اعضای حزب، رویدادی ناگهانی و تصادفی نبوده است. بدتبهاست که گروههای بیگانه با استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای وارد آوردن این ضربه تدارک میدیدند. اکنون که این عوامل نفوذی یا قشری با موعوب ساختن مسلمانان مبارز و کنایزد نشان از اهرم های قدرت یا سلوب الاختیار کردن نشان نخستین گام را بزرگداشتند، بدون شك خواهند کوشید تا گامهای بعدی را نیز بردارند و خود را از "شتر" حزب توده ایران که "ختم لوق" در دهان توده های زحمتکش میکشند خلاص کنند.

هجوم به دفتر حزب توده ایران و اشغال و تعطیل خود سرانه آنها در نخستین سال انقلاب آغاز شد و با مستقر شدن عناصر وابسته به کلان سرمایه داران و زمین داران بزرگ در حاکمیت، کم کم اشکال "قانونی" بخود گرفت. "نامه مردم" نخست یکبار بطور موقت و سپس بپهنانه "توطئه خرنده" برای همیشه توقیف گردید، دبیرخانه حزب در تهران و دفاتر حزبی در شهرستانها بسته شد و صدها توده های به اتهامات واهی بزندان افتادند که تن آزانرا خود سرانه به حوضه اعدام سپردند. روزنه های دیگر هم بتدریج سدود شد و اشک کسها از انتشارات و دیگر امکانات چیزی باقی نگذاشته اند. تصد خفه کردن قطعی صداها و بستن دهانها را کرده اند تا مقدمات وارد آوردن ضربت قطعی برپیکر نیمه جان انقلاب فراهم آید.

در مورد مجریان این توطئه ها باید گفت مردم ایران با کسانی سروکار دارند که نمایندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند و نه خود را برعایت موازین اخلاقی و انسانی مقید میدانند. آنان حتی در نبرد برای کنارزدن و عقب نشان دادن مسلمانان مبارز و موعوب ساختن آنان، از یکاگرگرفتن انواع شیوه های رذیله ایبا نداشتند وندارند، پس طبیعی است اگر برای رویارویی با دگراندیشان از هیچ عمل زشتی رویگردان نباشند.

تمام روزنامه ها و نشریات وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مانند روزنامه های جمهوری اسلامی، صبح آزادگان، اطلاعات، کیهان، انو مجلات جوانان امروز، سروش، پیام انقلاب، انقلاب دانشگامی، جهاد سازندگی و غیره، طی چند سال اخیر بطور منظم در تدارک هجوم عمومی به نیروهای دگراندیش شرکت داشته اند و دارنده صدا و سمیای جمهوری اسلامی ایران که بجای خود!

چند تن از روزنامه نگاران در برخی از آنها مانند جمهوری اسلامی، صبح آزادگان و جوانان امروز، مستقما با طراحان این توطئه ها ارتباط دارند و "انتروکسیون"ها را بدون واسطه دریافت میکنند. در بقیه عوامل نفوذی بانقلاب "اسلامی" وظایف خود را انجام میدهند.

حاصل ناگاهی، سردرگمی و عدم قاطعیت رهبری جمهوری اسلامی ایران این شد که انقلاب ما بر اثر قدرت گرفتن عناصر وابسته به سرمایه داران و بزرگ مالکان در حاکمیت نتوانست تبدیل بیک انقلاب اجتماعی شود. و هرگونه اصلاحاتی بسود کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهسری و روستایی، بویژه پس از تجاوز عراق به میهن، مساعلا متوقف گردید. روشن است که چنین چرخش منفی در روند انقلاب، نمیتوانست موجب واکنش قشرهای زحمتکش و تندید مبارزه طبقاتی نگردد. اینجا بود که دشمن جنبه های مردمی انقلاب به "چارموشی" برخاستند و تصمیم گرفتند ضربه نهائی را نخست بر حزب توده ایران سر سخت ترین مدافع خواسته های عادلانه توده های مجروح خلق وارد آورند تا سپس سرکوب کارگران و دهقانان آسانتر باشد. آنان خوب میدانند که روشنگری های حزب توده ایران چراغ راهنما و نیروبخش زحمتکشان در مبارزه برای کار، زمین، دستمزد عادلانه، بهداشت کار، درمان، آموزش همگانی و رایگان و پیشرفت اجتماعی است. آقای عبد خدائی نماینده مشهد در مجلس، خرداد ماه سال گذشته در پاسخ به سئوالات تلفنی مردم صادقانه چنین اعتراف کرد:

"به نظر من خطر یک روزنامه روسی در کشور اسلامی از یکصد تانک بیشتر است." در اسن جمله کوتاه هم وحشت طبقات بهره کتر را از روشنگری های حزب توده ایران میتوان دید و هم شیوه رذیله آنرا برای مقابله با دشمن طبقاتی خود، عرکس و هر روزنامه های که از کارگزاران و دهقانان و دیگر محرومان جامعه دفاع کنند، بنظر این آقایان "جاسوس روس روزنامه روسی" است!

اما روزنامه جمهوری اسلامی هم که متاسفانه بنام رئیس جمهور منتشر میشود و نباید بیش از همه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پای بند باشد، زیرا که ارگان حزب حاکم است، چه بسا هرگونه قید و بند اخلاقی را بخاطر سر دست یافتن به یک هدف پلید نادیده میگیرد. نویسنده ستون "پاسخ سئوالات سیاسی شما"، روز ۲۳ اسفند ۱۳۶۱ در پاسخ یک سؤال خوب ساخته که "آیا دستگیر شدگان برآورد نیروهای ما و حرکات و نقل و انتقالات نظامی ما را با اطلاع سازمان جاسوسی سیا قرار میدادند؟" (لا بد منظور میرساند هاند بده است. راه توده) چنین پاسخ میدهد: "این اتهام تا کنون تأیید نشده است ولی امکان دارد در اسناد و مدارکی که از خانه های دستگیر شدگان بدست آمده است به چنین موردی نیز برخورد شود." راستش ما "بخشین موردی" از پستی و زوالت در امر روزنامه نگاری نخستین بار است که برخورد میکنیم. البته وقتی ریش و قیچی در دست دشمنان انقلاب و توده های زحمتکش خلق باشد، جعل اینگونه "مدارک" و انتساب آن به یازدهامت شدگان کار دشواری نیست. مگر انبوهی از این مدارک جعلی ساواک ساخته را طی این چند

سال جمع آوری نکرده و آنها را دستاویز هجوم کنونی به حزب توده ایران ننموده اند؟ خود آقای پاسخگو سیاه روی سفید مینویسد: "این عده تماما در تهران و در چند خانسه دستگیر گردید هاند و دستگیری آنها نیز بدنیال دریافت گزارشات مستند و پس از مطالعه دقیق و تحقیق کافی در باره این گزارشات صورت گرفته است." پس در این "گزارشات مستندی" که بنا بگفته راد یوهای لندن و اسرائیل، آنها را "اینتلجنس سرویس" در اختیار مقامات امنیتی جمهوری اسلامی ایران گذاشته، چیزی در مورد "اثبات" جاسوسی برای "سیا" را لازم ندیده اند در میان آنها بگنجانند. ولی اینک که متوجه شده اند "دلایلشان" کسافی نیست دبه - درآورد هانسد.

ما سابقا هم نوشته بودیم که میان "نویسنده" این ستون در روزنامه جمهوری اسلامی و "منابع خبری امپریالیستی" پیوند "فکری" ویزه ای وجود دارد. حال که "نویسنده" خود را در مسئله دستگیریها خیلی "مطلع" نشان میدهد و "جزئیات" را فاش میکند، میتوان برپویوند نزدیک او یا طراحان توطئه نیز شهادت داد.

این "عده" که "تعامادرتهران دستگیر شده هاند" نه از فرماندهان لشکری و کشوری بود هاند، نه از اعضای شورای عالی دفاع و نه از محارم و نزدیکان رهبران درجه اول مملکتی که از اسرار مگو باخبر باشند. آنان در نزدیکی های جبهه جنگ هم زندگی نمیکرد هاند که از "نیروهای ما و حرکات و نقل و انتقالات نظامی ما" مطلع باشند و آنها را "باطلاع سازمان جاسوسی سیا" رسانده باشند. اگر چنین اسرا را واقعا در اختیار "سی-آی-ای" گذاشته شده و آقای "نویسنده" حقیقتا مایل است ارسال کنندگان آنها را کشف کند، منطقی شتر اینست که چشمانش را بهتر باز کند و به اطراف خود بنگرد. چنین جاسوسانی فقط در میان کسانی میتواند باشند که به اینگونه اسرار مجرمانه دسترسی دارند و خود را بعنوان "مسلمانان دواشته" در تمام نهادها و از جمله هیئت تحریریه روزنامه جمهوری اسلامی جازده اند.

ظاهرا چون اتهام اولیه یعنی جاسوسی برای "کاکب" علیه رمن زدن مصنوعی به جو شوری ستیزی و فریاد های گوشخراش "مرگ برشوری" باین علت که مردم میدانند اتحاد شوروی دوست واقعی ایران و پشتیبان انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمین است نمیتواند دلیل قانع کننده برای قتل عام "جاسوسان" باشد، تصمیم گرفته اند "مدارک" لازم برای "اثبات جاسوسی برای سیا" را هم بعنوان "اسناد و مدارکی که از خانه های دستگیر شدگان بدست آمده است" قاطی "مدارک" به ارت - مانده از ساواک شاه و رسیده از لندن کنند تا دست وبالشان برای یک انتقام خونین از کسانی که موی دماغ "سرمایه داران صالح" و "مالکان مستضعف" شده اند بازتر باشند.

# هشدار باش اتحاد شوروی

# اسرائیل باید به بازی با آتش خاتمه دهد

بقیه از صفحه ۱

را به تصرف خود در می آورد ، همه میدانند که واشنگتن این شمشیر را به دست وی داده است . توافق استراتژیک میان واشنگتن و تل آویو قربانیان بیشماره آلام فراوانی برای خلقهای عرب بهمراه ۴۳ است . در بیانیه همچنین آمده است که "برنامه ۱۰" در حال تدارک و انجام است که تسلط مشترک نظامی و سیاسی آمریکا و اسرائیل بر تمام منطقه خاور نزدیک را تأمین کند . هیچ وجه تصادفی نیست که تمام خطوط نشانهای نظامیگرایانه ضد شور در اسرائیل همزمان با افزایش ککهای سیاسی نظامی و مالی آمریکا به این کشور انجام میگردد . هیچکس نباید در مقابل برنامه های جنایتکارانه اسرائیل علیه سوریه بی اعتنا بماند . باید اینس برنامه ها را با شکست روبهرو ساخت .

خلق سوریه تنها نیست ، تمام مپه نهرستان عسریا کشور های سوسیالیستی و همه کسانی که صلح ، عدالت و شرف امر قلبی آنانست در کنار آن قرار دارند . زمان آن فرا رسیده است که اسرائیل به بازی با آتش خاتمه دهد . اتحاد شوروی بار دیگر تاکتیکد نمیکند که حقوق حقه و منافع تمام خلقهای خسارور نزدیکه از طریق تهدید مسلحانه و یا جنگ

بلکه از طریق تلاشهای سیاسی تمام طرفهای ذینفع از طریق تنظیم عادلانه همه جانبه اختلافات تعیین میشود .

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه اخیرالیا صدور اعلامیه ای نسبت به خطراتی که از جانب آمریکا و اسرائیل سوریه را تهدید می کند هشدار داده و نوشته است :

"جراغ سبز برای تهدیدات اخیر اسرائیل ، اعتراض وزارت امور خارجه آمریکا به تهیه موشک های مدرن زمین به هوا از سوی سوریه بود . این موشک ها به منظور تقویت دفاع سوریه از وسپتان شوروی خریداری شده بود ."

اعلامیه سپس به جعلیات امپریالیستی در مورد باصطلاح "خطری که اسرائیل و ناوگان ششم آمریکا را از جانب سوریه تهدید می کند اشاره کرده و می نویسد :

"این لجن پراکنی ها همزمان با تدارکات

نظامی از قبیل تمرکز قوای اسرائیل در دره بقاع و تمرین حمله به خاک سوریه انجام گرفت و نشان داد که گذار از تدارک به حمله نزدیک است . اعلامیه ضمن اشاره به اینکه این همسواره اسرائیل بوده است که با زیر پا گذاشتن تعصیبات مجامع بین المللی کشورهای متعلقه را مورد تهدید و حمله قرار داده است ، تذکر می گردد که این خطر با اعلام اتحاد استراتژیک آمریکا و اسرائیل بیشتر شده است . سپس تصریح شده است که هدف از ضربه نظامی در حال تدارک به سوریه ، مجبور کردن این کشور به عوض کردن سیاست سیاست میهنی و مردمی خود است . در این رابطه گفته می شود :

"بعد از شکست مرتجعین و ضربه به بائسد اخوان المسلمین ، اکنون تنها يك راه برای اهداف (امپریالیستی) باقی مانده است و تهاجم مستقیم و علنی به سوریه ."

اهداف امپریالیسم و صهیونیسم در متصفه بدین شرح برشمرده شده است :

- به فراموشی سپردن مسأله فلسطین و تبدیل لبنان به تحت الحمايه آمریکا و اسرائیل
- تقویت انزجاج عرب و گرایش های تسلیم طلبانه رژیم نصر و رژیمهای مشابه آن
- ضربه زدن به دوستی اعراب و اتحاد شوروی و جدا کردن اعراب از وفادارترین دوستانشان .
- کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه سپس یاد آور می شود که آمریکا می خواهد منطقه خسار - نزدیک و میانه راه پایگاهی برای سیاست تهاجمی خود علیه آسیا ، آمریکا و اتحاد شوروی تبدیل کند .

این اعلامیه سپس به عزم مردم سوریه به مقاومت در مقابل این نقشه امپریالیستی اشاره می کند و نقش دوستان قدرتمند سوریه ، و در درجه اول اتحاد شوروی را ، مورد تأیید قرار می دهد و می نویسد :

"این حق مسلم سوریه است که از هم اکنون تمام اقدامات به منظور تدارک دفاع از خود را انجام دهد . این امر منطبق بر منشور ملل متحد و تمامی قراردادهای بین المللی و در خدمت صلح جهانی است . سپس تأکید شده که همه نیروها آزادی ، ترقی و صلح به کمک هم خواهند توانست تهاجم امپریالیستی را درهم شکنند ."

در پایان ، اعلامیه به نقش احزاب کمونیستی و کارگری در حمایت از سوریه اشاره کرده و آمده است :

"کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه بر این اعتقاد است که احزاب برادر راهها و وسایل حمایت از سوریه در مقابل این تهاجم آمریکایی - اسرائیلی را خواهند یافت . بی شک این حمایت فعالانه جزئی جدایی ناپذیر از نبرد مشترک برای صلح جهانی است ."

## قطع رابطه نهایی با آمریکا خلع ید از بزرگ مالکی وکلان سرمایه داری است

امام خمینی ، به صحنه جدیدی برای ادامه مبارزه تبدیل شد .

امام خمینی گفتند : " این رابطه را می خواهیم چه کنیم ؟ " رابطه ایران با آمریکا مثل رابطه تبه با گرگ است . اینک سه سال از قطع رابطه با آمریکا و سه سال از این گفته امام می گذرد . اما به جاست امروز این سوال مطرح شود که آیا قطع رابطه با آمریکا منجر به از بین رفتن نفوذ آمریکا در ایران شد ؟

برای پاسخ به این سوال باید گفت تا زمانیکه مواضع بزرگ مللکان وکلان سرمایه داران حفظ شود و تدابیر اجتماعی - اقتصادی بنیادی بسود توده های ستم کش و ایجاد نظم نوین اقتصادی در جامعه اتخاذ نشود ، بازگشت امپریالیسم اجتناب ناپذیر است .

متأسفانه نمی توان از این صحبت کرد ، که انقلاب ایران در چهار سال گذشته به این جانب از وظایف اصلی خود پاسخ روشن و قاطع داده است .

امروز ۱۹ فروردین - سه سال است که ایران انقلابی با امپریالیسم غارتگر یانکی رابطه سیاسی ندارد و سه سال است که خلق دلاور ایران درگیر نبرد برای ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیسم ، به سرکردگی امپریالیسم غارتگر آمریکا در میهن انقلابیما می باشد .

قطع رابطه سیاسی امپریالیسم یانکی با ایران انقلابی در واقع عکس العمل شکست توطئه های بیابای آمریکا و یاران آن در ایران بود . وقتی با تسخیر جاسوسخانه آمریکا ، هم مرکز توطئه یانکی ها در ایران به دست خلق فتح شد و هم دولت موقت سقوط کرد ، وقتی سازش کاران در تحویل گرفتن "گروگان" های جاسوس شکست خوردند و فرمان امام خمینی نقشه آنها را نقش بر آب کرد ، وقتی امام خمینی نامه خنده آمیز کارتر را فاش کردند و گفتند : " همه توان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما ، آمریکا کنید " ، بعد از همه این شکستها ، روز ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ رابطه سیاسی ایران و آمریکا قطع شد . این قطع رابطه ، که سازشکاران از آن به هراس افتاده بودند ، به دنبال پیام

مورگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا ، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

# بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بازداشت رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و گروهی دیگر از رهبران و کادرهای حزب توده ایران ، یک حادثه کوچک و منفرد و تنها مربوط به حزب ما نیست ، این حادثه مربوط به کل انقلاب است ، نشانه‌ای است از وجود بحران در انقلاب و تشدید نبرد انقلاب و ضد انقلاب در مرحله نون .

در این باره دیگر هیچ عاقلی تردید ندارد که "بحریم" رهبران حزب توده ایران همان نبرد آشتی ناپذیرشان با امپریالیسم و حمایت بی‌خودشان آن‌ها از حقیق زحمتکشان و تسلاش پیگیرشان برای انجام تحویل بنیادی در جامعه ایران به سود زحمتکشان است ، حتی دشمنان حزب توده ایران - اگر کمترین احترامی برای داری خود قائل باشند - شرم دارند که اتهام "سیا" و "موساد" ساخته را علیه رهبران حزب ما تکرار کنند و آثانی هم که به خاطر بازی‌های سیاسی و به امید این که "هدف وسیله را توجیه می‌کند" این گونه روش‌های زشت و ناپسند را در مبارزه سیاسی می‌پذیرند ، بدون تردید وجدان ناآرامی دارند .

چنین است قضاوت دوست و دشمن و چنین است قضاوت وسیع‌ترین قشرهای توده مردم . ما در این مورد افراد سلطان مبارازی را می‌بینیم که گویی خود را گناهکار می‌شمارند و از شرم نتوان سر بلند کردن ندارند .

با وجود این قضاوت روشن که در افکار عمومی هست ، بسیاری پریشان‌ها در جامعه موج می‌زنند : عاقبت این کارها به کجا خواهد کشید ؟ این‌ها که متحدین و مدافعین خود را با این شیوه‌های شرم آور زیر فشار می‌گذارند ، چه بلایی بر سر توده مردم خواهند آورد ؟ کار صعبیت و انحصارگرایی و طرد دگراندیشان (که منافی قانون اساسی جمهوری اسلامی است) به کجا خواهد کشید ؟ آیا واقعا اگر از این وضع جلوگیری نشود حکومت نفتی عقاید قرون وسطایی و نارواترین اشکال تهمت زنی در کشور ما حاکم نخواهد شد ؟

این پریشان‌های توام با نگرانی عمیق در یک پریشان‌گلی تر خلاصه می‌شود و آن این کسه سرنوشت انقلاب ما چه خواهد شد ؟ آیا این انقلاب شکوهمند ، انقلابی که از نظر وسعت شرکت میلیون‌توده‌های مردم زحمتکش ، از نظر شدت شور و شوق توده‌ها و اینار بین کران آن‌ها در تاریخ کم نظیر است واقعا دارد از درون می‌پوسد و منسوخ می‌شود ؟

در پاسخ به این پریشان‌ها قبل از هر چیز باید بگوییم که نگرانی در باره سرنوشت انقلاب و آینده جامعه ما نگرانی به جایی است . رفیق کیانوری در یکی از آخرین نوشته‌های خود تاکید کرده است که هیچ انقلابی از شکست همون نیست و پیروزی آسان تامین نمی‌شود . اگر انقلاب کردن کار دشواری است ، حفظ دست‌آورد‌های آن و بسط این دست‌آورد‌ها کار دشوارتری است . در باره انقلاب ایران نیز باید دانست

که با وجود پیروزی‌های بزرگی که تا کنون داشته ، پیروزی نهایی آن خود به خود تضمین نشده نیست و هیچ حزب و یا سازمان پیگیر انقلابی نمی‌تواند و نباید خوش‌خیال و آسوده خاطر بماند .

در ماه‌های اخیر کلان سرمایه‌داران و بزرگان مالکان متحد امپریالیسم و عناصر نفوذی و جاهل و قشری - که عملا صف متحدی دارند - موفقیت‌ها قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند . اقدامات اصلاحی اجتماعی کوچکی هم که می‌توانست وضع رقت‌بشار توده‌های محروم را تا حدی تعدیل کند ، تقسیم مانده و این خطر کاملا محسوس است کمپروهای راست‌گرا هجوم خود را به ضد کسب قدرت بلامنازع سیاسی ادامه دهند و مواضع تازه‌ای را در حاکمیت به دست آورند و خود را به هدف نهایی خود هرچه بیشتر نزدیکتر سازند .

اوج مرحله اول عملیات امپریالیسم و معالشی ، بازداشت رهبران حزب ما بود . عمل امپریالیسم قطعا می‌کوشند این عملیات را ادامه دهند و مراحل بعدی را از پی بیاورند . این خطرس را باید درک کرد و برای مقابله با آن همه نیروها را تجهیز نمود .

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چسرا انقلاب ایران دچار چنین بحرانی شده و راه برون رفت از آن کدام است ؟

ما در زیر می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم .

## مرحله حساس در انقلاب‌های ملی و دمکراتیک

قبل از هر چیز باید توجه داشت که آن چه در انقلاب ما پیش آمده ، امری صرفا ایرانی و یا ویژه انقلاب کنونی ما نیست ، همه انقلاب‌های ملی و دمکراتیک به چنین مرحله حساس و بحرانی می‌رسند و بسته به این که مسائل این مرحله را چگونه حل کنند سرنوشت خود را رقم می‌زنند : پیسروزی یا شکست .

انقلاب‌های ملی و دمکراتیک از اجزاء و عناصر گوناگون تشکیل می‌شوند که سرانجام در دو عنصر اصلی ملی (یعنی ضد امپریالیستی) و دمکراتیک (به معنی مردمی) خلاصه می‌شود . این دو جانب انقلاب به هم پیوسته و در نهایت امر از هم گسست ناپذیرند . به ویژه در زمان ما اقتصاد جهان سرمایه‌داری چنان یکپارچه شده و سرنوشت آن در کشورهای مختلف با سرمایه - داری انحصاری امپریالیستی چنان جوش‌خورده است که اگر پس از انقلاب مواضع مالکان و سرمایه - داران بزرگ حفظ شود و تدابیر اجتماعی - اقتصادی بنیادی به سود توده‌های ستم‌کش و ایجاد نظم نوین اقتصادی در جامعه اتخاذ نشود ، بازگشت امپریالیسم اجتناب ناپذیر است . این را تجربیات جهانی در بسیاری نقاط به شوت رسانده است .

انقلاب ایران متأسفانه طی چهار سال گذشته نتوانست به این جانب از وظایف اصلی خیسود

بپردازد . ضرباتی که به بخش‌های سرمایه - داران وارد آمد ، در نیمه راه متوقف ماند ، در عوض سرمایه‌داری تجاری با سرعت باور نکردنی مواضع خود را تقویت کرد و در هر شش ماه به اندازه سال‌ها سود برد و در عین حال یک‌آن از توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران بازنیستاد .

و آن چه مربوط به توده مردم است ، اینسان انقلاب را به پیروزی رسانده در این چهار سال از انقلاب صادقانه و اینارگران دفاع کردند ولی در مقابل مزایای قابل ذکری به دست نیاوردند . طبیعی است که این وضع نمی‌توانست ادامه داشته باشد . سرانجام می‌بایست و می‌باید راه رشد آینده کشور را تعیین کرد : سرمایه‌داری افسارگسیخته وابسته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و یا نظام اقتصادی مردمی و تاهین کننده استقلال اقتصادی کشور ؟

انقلاب ایران با نیروی پرتوان مردمی کسه دارد ، می‌توانست این مرحله را پشت سر گذارد و دچار بحرانی - از نوع بحران کنونی - نشود . ولی چند عامل جلوی نیروی مردم را سد می‌کند ، میدان را به سرمایه‌داران بزرگ و مالکان غاصب می‌دهد و در نتیجه بحران می‌آفریند . مهم‌ترین این عوامل عبارتند از :

۱- توطئه‌های تفرقه‌افکنانه و خرابکارانه امپریالیسم

۲- تعادل شکننده بین نیروهای مردمی و ضد مردمی در درون حاکمیت ،

۳- جنگ فرسایشی عراق علیه ایران .

## توطئه‌های تفرقه‌افکنانه و خرابکارانه امپریالیسم

مهم‌ترین عامل دشواری‌هایی که انقلاب ایران با آن روبروست ، حاصل توطئه‌های مداوم امپریالیسم و قبل از همه امپریالیسم آمریکاست . در گذشته ما شاهد توطئه‌های مکرر کودتایی و دخالت مستقیم و مسلحانه آمریکا در امر جمهوری اسلامی ایران بودیم . این توطئه‌ها با شکست مواجه شد اما امپریالیسم نه تنها دست از توطئه برنداشت بلکه از شکست‌ها درس گرفت ، تقاطق قوت و ضعف جمهوری اسلامی ایران را بهتر شناخت و متحدین تازه‌ای برای خود در داخل ایران پیدا کرد . پس از روی کار آمدن ریگان ، امپریالیسم آمریکا به دنبال سیاست قبلی خود در منطقه خاور میانه و در مورد انقلاب مبین ما بسا شدت بیشتری دست به تعرض آشکار و نهان زد و برای این کار نقشه‌های دور و درازی طراحی نمود و به معرض اجراء گذاشت .

امپریالیسم آمریکا ایران را می‌خواهد نه کم و نه بیش و برای براندازی جمهوری نهایی ما و به شکست کشاندن انقلاب ، از دخالت آشکار و مستقیم نظامی هم ابا تدارک و منتظر فرصت و امکان است . البته تناسب قوای جهانی و پشتیبانی اتحاد شوروی از جمهوری اسلامی ایران ، امپریالیسم را به تامل وامی‌دارد . ولی از هسندف بقیه در صفحه ۹



# بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بقیه از صفحه ۸

منصرف نمی‌کند. به ویژه از زمانی که گروه درندگ  
ریگان به کاخ سفید آمده چنان که گفتیم تدارکا  
نظامی برای دخالت در امور ایران که از زمان  
کارتر آغاز شده بود با شدت بیشتری ادامه  
یافته و اینک آمریکا نیروی عظیمی را در خلیج  
فارس و پیرامون ایران به نام "فرماندهی مرکزی"  
مستقر و متمرکز کرده است.

آمریکا با آماده شدن برای تجاوز نظامی به  
ایران، از محیط متشنجی که در پیرامون ایران  
از طریق تهدید آشکار به تجاوز پدید می‌آید، به  
عنوان عاملی برای ایجاد شرایط دخالت غیر  
منتظر نظامی (از راه کشورهای ترکیه، پاکستان،  
برخی کشورهای عربی دست نمانده) و هم  
چنین تسریح تکون صف آرای نیروهای ضد  
انقلابی داخلی بهره می‌گیرد. در زیر پوشش  
جنگ روانی که آمریکا به راه انداخته، دشمنان  
انقلاب در درون جامعه قوی‌تر می‌شوند، جو  
شانناز ضد رژیم بالا می‌گیرد و عوامل امپریالیسم  
با استفاده از عوام فریبی‌های به ظاهر مذهبی  
و تأثیر پذیری نیروهای مدلمان بازار راحت‌تر  
می‌توانند آن‌ها را به عقب بنشانند و خود در  
ارگان‌های حکومتی بالاتر روند.

امپریالیست‌های آمریکایی با درس گرفتن از  
شکست توطئه‌های قبلی دریافتند که تا وقتی مردم  
ایران متحد و بیه انقلاب امیدوارند، تا وقتی  
ایران دوستان پروپاقرصی در صحنه جهانی  
دارد، هجوم به انقلاب و براندازی جمهوری  
مقدر نیست، اینست که به خراب کاری پرحصله  
و حساب شده‌ای پرداختند و در صدد برآمدند  
که از تضادهای داخلی و نیروهای مستعد  
داخلی برای رسیدن به مقصود ماهرانه استفاده  
کنند و به دست عوامل نفوذی و عناصر ناآگاه  
قشری و عوامل تروریست خود جو مسووم و متنبجی  
در کشور ایجاد نمایند، به طوری که مردم نتوانند  
خود را - حتی در دفاع از جمهوری - راحت  
احساس کنند. امپریالیست‌ها محیطی ایچساد  
کردند که تنها به سود خرابکاران و ناراضی‌تراشا  
باشد. شانناز ضد کمونیستی را به حدی رساندند  
که عوامل نفوذی آمریکا در چنان جوی خلیجی  
راحت انقلابی شمرده شوند و به آسانسی  
پتوانند تمام دوستان خارجی ایران را برنجانند  
ویر آن افتخار کنند و هر کس را که سرسوزنی عقل  
زمانداری و دل‌سوزی نسبت به انقلاب دارد،  
"شرقی" و "کمونیست" قلمداد کنند.

کار تدریجی و طولانی امپریالیست‌ها و  
عامل "سیا"، "موساد" و "انتلیجنت سرویس"  
اینک دارد به محصل می‌نشیند. جمهوری  
اسلامی متاسفانه در وضعی قرار گرفته است که  
خود دارد به دست خویش‌پل‌های دوستی را  
می‌شکند و محیط سوزن دلخواه برزیسکی را  
به وجود می‌آورد.

برزیسکی به وزارت خارجه آمریکا دستور  
داد و بود که  
"لازم است جو سوپون و عدم اعتمادی را که  
بین ایران و همسایگانش وجود دارد، منسوخ  
بهر مرداری قرار داد."

رئیس جمهور (کارتر و فعلا ریگان) معتقد  
است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی  
خمینی، خصوصا توسط اتحاد شوروی حتما بسه  
تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر  
خواهد شد.  
برزیسکی تاکید می‌کند که در این مورد باید  
"هم آهنگی وزارت دفاع آمریکا، "سیا" و هم  
چنین سایر ادارات و موسسات تامین شود و  
نظراتی که شاه در مشورت‌های اخیرش داد ماست  
توجه شود.

و حالا هم آهنگی وزارت دفاع و "سیا" و همه  
ادارات آمریکایی به نتایجی رسید، و کار بجایی  
رسیده که تمام تلاش‌های اتحاد شوروی و سایر  
کشورهای سوسیالیستی برای برقراری روابط  
دوستانه و برابر حقوق با ایران یا واکنش دور از  
نژادگتی عقیم گذشته می‌شود، ولی از سوی دیگر  
جمهوری اسلامی تمام توهین‌های کشورهای  
امپریالیستی را تحمل می‌کند و اعتراضات با اعمال  
خشونت بار و ترغیب‌های براندازی آن‌ها از  
حیطه شعارها که آن هم محدودتر می‌شود،  
تجاوز نمی‌کند و با آشتی جویی‌ها پشت پرده  
جبران می‌شود، و در عین حال برای حفظ  
"تعادل" در برابر هر اعتراض کوچکی به ضد  
جنایت بزرگ امپریالیسم، الزاما شعارهای خشن  
در پاسخ محبت‌های کشورهای سوسیالیستی،  
در روزنامه‌ها و سخنرانی‌ها نقش می‌بندد.

عین همین وضع در مناسبات نیروهای داخلی  
نیز برقرار شده و خط برزیسکی بطور خزنده هم  
چنان پیش رفته است، تا جایی که امروز دبیر اول  
و رهبران حزب ما که مدت چهار سال مداوم بنا  
قاطعیت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران  
حمایت کرده و در شکست توطئه‌های امپریالیستی  
نقش موثری داشتند، کسانی که ۲۵ سال در  
زند ان استبدادی شاه پایداری کردند، باز  
داشت می‌شوند و با روشی خلاف هرگونه اصول  
اخلاقی (حقوق قانونی که جای خود دارد) حتی  
به "جاسوسی" متهم می‌شوند! ولی هواداران و  
متحدین علی‌الریکا، کسانی که اسناد رابطه  
خرابکارانه آن‌ها با سفارت آمریکا منتشر شده،  
مورد استتال قرار می‌گیرند.

موقعیت نسبی توطئه‌های آمریکا و خط  
برزیسکی و تأثیر آن‌ها در تفرقه نیروهای انقلابی  
و تقویت نیروهای ضد انقلابی - چنان که گفتیم -  
مهم‌ترین عامل بحران انقلاب است. بر اثر این  
موقعیت چنان جوی به وجود آمده است که  
نیروهای انقلابی و هواداران صدیق راه امام  
اعتماد و قاطعیت سابق خود را برای پیشبرد  
انقلاب تا حدودی از دست دادند - و امید  
که در آینده این نیرو را بازیابند.

دلیلی موفقیت نسبی خط برزیسکی را قبل از  
هر چیز باید در پایه اقتصادی آن در داخل  
کشور، یعنی وجود بزرگ مالکان و کلان سرمایه  
داران جستجو کرد.  
در برنامه حزب توده ایران - مصوب فروردین  
۱۳۶۰ - در این باره گفته می‌شود:  
"سرمایه‌داران و بزرگ مالکان هنوز حیاتی‌ترین

شریان‌های زندگی اقتصادی مردم میهن ما را در  
چنگ خود دارند و زانو وار خون ده‌ها میلیون  
زحمتکش غارت شده را می‌کنند. همین وضع مشا  
بزرگ‌ترین تهدید برای انقلاب است."

امپریالیسم با استفاده از مجموعه شرایط جلو  
تحول بنیادی اقتصادی را گرفت و از این اهرم  
برای نفوذ در تمام دستگاه حکومتی و فلج کردن  
آن استفاده کرد: درست است که در ماه‌های  
اول پس از پیروزی انقلاب ضرباتی به سرمایه  
داران درباری و وابسته به امپریالیسم وارد آمد  
و این خود سبب از هم گسیختگی برخی رشته‌ها

ارتباطی آن‌ها گشت، ولی امپریالیست‌ها وسیه  
ویژه امپریالیسم آمریکا یا به دست آوردن متحدین  
ابندید از میان بازاریان بزرگ، رشته‌های گسیخته  
را ترمیم کردند. موفقیت نسبی توطئه اخیر آمریکا،  
همانا در پیدا شدن این متحدین جدید است.  
سرمایه‌داران بزرگ بازار و نمایندگان آنها،  
در زمان شاه در سایه سرمایه‌داران بزرگ مالی -  
صنعتی وابسته به انحصارات امپریالیستی، قرار  
داشتند و کمتر به حساب می‌آمدند. پس از  
پیروزی انقلاب بازار مقام خود را برای بهره‌کشی  
و غارت تحکیم کرد و توانست امر بازرگانی داخلی  
و خارجی را پیش از گذشته در دست خود متمرکز  
کند و از این راه ارتباط‌های نزدیک تراقصادی  
و سیاسی با کشورهای امپریالیستی برقرار نماید.  
در این چند سال دانشگاه‌های ایران بسته  
بود و بهترین دانشجویان خط امام در حبس‌ها  
شهید می‌شدند (و حتی عده‌ای از آنها معدا  
به شهادت داده شد مانند) ولی آن دست‌ها از  
دانشجویان بسیار بسیار "عزیز" خارج از کشور  
(یعنی آمریکا و آلمان و انگلستان) که بطور  
عده فرزندان همین بازاریان به بهانه اینکه  
اعضای انجمن‌های بااصلاح اسلامی هستند،  
مورد هزار نوع محبت و استعالت واقع شده و  
وتحصیل کرده و نکرده با ریش و تسبیح آمدند -  
و اگر فارغ التحصیل بودند از گوشه حجره‌های  
بازار بیرون شدند - و دستگاه دولتی را پر  
کردند.

در آغاز انقلاب، سردمداران بازار، با  
فرض‌های ویژه خود دنبال انقلاب می‌آمدند و با  
رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا سر سنگین بودند،  
و برخی سازمان‌های سیاسی نزدیک به بازار و  
سرمایه داخلی نظیر "نهضت آزادی" حالست  
قهر و آشتی داشتند. اما پس از انقلاب خود  
طرف معانقه سیاسی و اقتصادی واقع شدند  
و دیگر نزاری به ادامه انقلاب ندیدند و "سه  
سه بار، نه بار" غلط کردند که انقلاب کردند.  
لذا برای جبران گناه، در برابر انقلاب ایستاد  
و به تناسب رشد جنبش مردمی و طرح ضرورت  
تحول بنیادی اجتماعی بر شدت مخالفت آنسان  
با انقلاب افزوده شد. نه فقط "نهضت آزادی"  
و محافل لیبرال که برخی از سازمانها و عناصر  
قشری وابسته به بازار هم که در زمان شاه تند  
روی‌هایی داشته و چند صباحی در زندان بودند،  
حالا دیگر مردان سیاسی شده و خود پیوند‌هایی  
با خارج برقرار کرده‌اند و اگر در بروز برخی  
حرف‌های ضد آمریکایی می‌زدند، امروز مدافع  
ضد انقلاب و هواداران آمریکا هستند.

بقیه در صفحه ۱۰

# بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بقیه از صفحه ۹

ویژگی نیروهای متحد امپریالیست در شرایط خاص کشور ما اینست که بدلائل خاص تاریخی، آسان تر از نیروهای مردمی همدیگر را یافته و متشکل می‌شوند. در این جا دیگر سخن از میلیون‌ها انسان زحمتکشان و صادقی که رژیم پهلوی پنجاه سال آنها را کوبیده و سازمان‌هایشان را بر باد داده و حالا هر یک باید به حجره همراه خود را پیدا کنند نیست. سخن از هزاران سرمایه‌دار، مالک بزرگ و چنین ارقامی از کارمندان عالی رتبه و روشنفکران و روحانی - نمایان خادم سرمایه و مالکیت‌های بزرگ است که همواره مورد توجه بودند. این‌ها همدیگر

را می‌شناسند و در نظام اقتصادی موجود - به هم بسته و پیوسته‌اند. بدکار و بی‌توانکسار و مشتری و طرف معامله یکدیگرند. هدفشان هم دقیقاً روشن است: سرکوب نهیست مردمی، به دست گرفتن قدرت برای حفظ مالکیت‌های بزرگ غاصبانه و ادامه غارتگری سرمایه‌داری. اگر حتی اجازه تشکیل حزب و سازمان به حضرات داده نشود، آن‌ها در همان سازمان‌های اقتصادی موجود یعنی "اطلاق‌های بازرگانی و صنایع"، "انجمن‌های مدیریت"، "اتحادیه‌های سرمایه‌داران" و به اصطلاح "تعاونی‌های سرمایه‌داری" متشکل‌اند و همین سازمان‌ها - حزب آن‌هاست. (علاوه بر سازمان‌های سیاسی پنهانی نظیر فراماسونری و روتاری‌ها و غیره که پس از انقلاب سرکوب شدند.)

در ایران وجود بازار مبر امکان شکل سرمایه‌داری - به ویژه سرمایه‌داری تجاری سنتی که با مالکیت زمین هم بسته است - می‌افزاید. البته همه سرمایه‌داران بازار از نظر کمیت سرمایه یکسان نیستند. و لکن صحت نظام درون بازار چنان است که سرمایه‌داران بزرگ معمولاً اختیار بازار را بدست دارند و می‌توانند به خاطر دفاع از سرمایه‌داری بازار را به حرکت آورند و در لحظات حساس اقتصاد کشور را فلاج کنند و احتمالاً بازار را ببندند و علاوه بر دشواری

اقتصادی، دشواری سیاسی پدید آورند. سازمان‌های پنهانی و نیمه پنهانی سیاسی وابسته به "سیا" به تسریع تشکیل نیروهای ضد انقلاب داخلی و نفوذ آن‌ها در دستگاه دولتی کمک می‌کنند. سازمان‌های پنهانی نظیر ساواک و حجتیه که از سال‌ها پیش توسط "سیا" ساخته شده‌اند پس از انقلاب بازسازی شدند و اینک نیروی فعالی هستند که با استفاده از نقاط ضعف حاکمیت در سرناپسای دستگاه دولتی نفوذ کرده و به ویژه مواضع کلیدی را در برخی مقامات حساس امنیتی اشغال کرده‌اند.

و در گمراه کردن مسئولین و ایجاد سوءظن و تفرقه در میان مردم و در ترور (جسمانی یا سیاسی) رهبران مردمی جمهوری به طور موثری عمل می‌کنند. حزب ما مدت‌هاست که در این مسوا رد رنگ‌های خطر را به صدا در آورده و بارها و بارها از زبان دبیر اول خود و نیز در مطبوعات خویش هشدار داده بود. اسناد و مدارک متعدّد حزب در این زمینه‌ها بهترین گواه بیداری سیاسی حزب در این مسایل است.

بازداشت رهبران حزب توده ایران راه‌همه باید در همین چارچوب درک کرد. امپریالیست‌ها با ایجاد جو سنگین سیاسی و یا شائتاز ضد



قطب‌زاده‌های ایران

حساب امپریالیسم آمریکا اینست - و حساب غلطی هم نیست - که با فشار به حزب تود ما ایران و تشدید جو ضد کمونیستی می‌توان به همسایه انقلاب ایران ضربه زد و آن را برانداخت.

همیشه و در همه جا کمونیست‌ها نخستین طعنه‌های اژدهای ارتجاع و امپریالیسم بودند. همیشه و در همه جا کوشش برای نابود کردن یک انقلاب یا ضربه زدن به پیگیرترین مدافع آن آغاز شده است.

در لحظه کنونی امپریالیست آمریکا می‌کوشد که انقلاب را فلج کند، آزادی را از مردم سلب نماید، محیط بی اعتمادی و سوءظن را دامنه زند، کاری کند که هیچ مسئله‌ای حل نشود و در عوض مأموران امنیتی در همه جا جو رعب و وحشت ایجاد کنند تا این که جان مردم به لب برسد، از شدت عدم رضایت - به دنبال راه حل مشکلات خود دست به دامنه‌ها بزنند. (بلافاصله پس از انقلاب ایران مجله آمریکایی نیوزویک توصیه کرده بود که باید چنان هرج و مرجی به وجود آید که مردم کودکانی یک ژنرال تازه را با سکوت و بی تفاوتی تلقی کنند.) هم اکنون در حالی که هر گام و عمل نیروهای مدافع خط امام به سد غیر قابل عبور مخالفت بر می‌خورد، همکاران امپریالیسم کلید "حیل" مسایل را نشان می‌دهند. تعدادی نیست که مسئله روشنی مثل "قانون کار" این طور بسته دست انداز می‌افتد و هنوز که تکلیف فقهی آن هم معلوم نیست، قانون کار زمان شاه هم لغو می‌شود. روشن است که کسانی می‌خواهند مردم را عاصی کنند و به آن‌ها بقبولانند که یک راه بیشتر باقی نیست: تسلیم در برابر امپریالیسم. کردن نهادن به نظام غارتگر سرمایه‌داری وابسته، بازگشت به زمان شاه - ابتدا مشروطه بی-سلطنت و با تسبیح و سپس حکومت بی نقاب نوسکران امپریالیسم. یکی از رایزنان امنیتی ریگان به وی توصیه کرد که وظیفه بلاواسطه، تقویت و تأمین سلطه جناح راست در حاکمیت جمهوری اسلامی است و سپس بعد از این عمل باید دید که کدام گام بعدی ضروری ممکن است.

**تناسب شکننده نیروها در حاکمیت**  
در پیدایش بحران انقلاب و برای پیشرفت این توطئه امپریالیستی تناسب شکننده نیروها

کمونیستی، کار را به آن جا رسانند که مقامات جمهوری اسلامی قوانین این جمهوری و بده‌ها بربح خود را به مردم در باره آزادی عقیده زیر پا گذاشتند. مأموران ساواک و "سیا" کسودر مقامات مختلف و حساس جمهوری اسلامی ایران لانه کرد مانند در این مورد نقش خود را ایفا نمودند.

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دست...

در حاکمیت نیز نقش بسیار موثری دارد . در حال حاضر اگر نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را در مجموع خود بسنجیم و چند عرصه جهانی و چه در عرصه داخلی همه نیروها را در نظر بگیریم ، انقلاب ایران از توان عظیمی برخوردار است و می تواند همه دشواری ها را زیر پا گذارد و با قدرت پیش رود و مسائل خود را حل کند . اما در داخل حاکمیت وضع چنین نیست . در آن جا تعادل شکنندگی وجود دارد . مجلس به رحمت ممکن است قانون انقلابی به سود مردم تصویب کند و مجلس به اضافه شورای نگهبان (اگر از مردم و امام حساب نبرند) هرگز چنین قانونی را تصویب نخواهند کرد . همین وضع در دستگاه اجرایی ، دولت و در قوه قضاییه هم چه بسا با شدت بیشتر از مجلس وجود دارد . در نهاد های انقلابی نظیر جهاد سازندگی ، سپاه و هیئت های هفت نفری (سابق) نیروی مردمی بیشتر است ولی این نهاد ها تصمیم گیرنده نیستند .

وجود این تعادل شکننده در تناسب نیروهای درون حاکمیت ، به نیروهای راستگرا - که اینک بیش از پیش به صف امپریالیسم می پیوندند و اتحاد خود را با امپریالیسم محکمتر می کنند - امکان می دهد که در برابر هر اقدامی سنگ انداز کنند ، هر کاری را به بن بست بکشانند و به نقل معروف برای هر کاری "گریه رضائی کنند" و "چوب لای چرخ بگذارند" . این تعادل شکننده چگونه پدید آمد ؟ و چرا نیروهای مردمی پس از چهار سال نتوانستند اکثریت قاطع و پایداری در حاکمیت پیدا کنند ، اکثریتی که بتواند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مراعات کند ؟ چگونه شد که مخالفین قانون اساسی ، کسانی که حتی آشکارا علیه این قانون نظر می دهند در مقامات حساس جا گرفتند ؟ این امر در درجه اول نتیجه توطئه های و تحریک های امپریالیسم است . اما علاوه بر آن دو عامل در این وضع موثر بوده که عبارتند از : ۱) جد شدن آشکارتر قشر جدیدی از انقلاب و پیوستن آن ها به صفوف دشمن و ۲) ناپه گیری نیروهای پیرو خط امام و مصلحت بینی های مساخات آمیز آنها .

عامل اول همان است که در بحث پیشین ، در بررسی توطئه امپریالیسم و متحدین جدید آن گفتیم . تا وقتی مسائل راه رشد جامعه پس از انقلاب مطرح نبود ، یا به طور قطع مطرح نبود ، حتی قشر بالای سرمایه داری تجاری بازار و لنگ لنگ لنگان همراه انقلاب می آمد ، حضور وسیع و قاطع مردم در صحنه نیز آنها را به وحشت می انداخت و مجبور می کرد که همراه مردم باشند و چنین بود که آنان در مقابله با توطئه های قبلی امپریالیسم و از جمله در مقابله با توطئه بنی صدر همراه مردم آمدند و شاید هم به این موجود "از فرنگ آمده" که معلوم نیست چه می گوید اعتماد

نکردند . اما وقتی مسئله زمین ، مسئله مالک و مستاجر - مسئله آزادی های سیاسی برای دگر - اندیشان ، مسئله انجمن های صنفی - سندیکایی کارگران و قانون کار ، مسئله ملی کردن بازرگانی خارجی و نظایر این ها به میان می آید ، تعداد قابل ملاحظه ای از این سرمایه داران و نمایندگان آن ها که در توطئه بنی صدر مقابل او بودند ، آشکارا در کنار توطئه گران قرار می گیرند . به علاوه تاثیر مستقیم ترورهای جنايتکارانه را که عدای از بهترین نیروهای مدافع مردم درجا - کیمت جمهوری اسلامی را از میان برد ، باید در نظر گرفت . شخصیت های سیاسی - مذهبی برجستهای نظیر بهشتی ، باهنر ، محمد منتظری ، رجایی و بسیاری از دیگر یاران نزدیک اسام از صحنه خارج شدند و جای آن ها با کسانی پر شد که به امر انقلاب به حد پیشینیان شهید خود وفادار نیستند و چه بسا آن قدرت و آن روشن بینی را که آنان داشتند ندارند .

عامل دوم ناپه گیری ها و ضعف های خود نیروهای مردمی است که میدان را از دست آنان گرفته و به مخالفین می سپارد و امکان می دهد که "مار در آستین پرورده شود" . مادر گذشته بازها و بارها پیرامون این ضعف ها و نتایج زیان بار آن برای انقلاب صحبت کردیم . رفیق کیانوری تقریباً در هر بحث و صحبتی که پیرامون انقلاب داشته این مسئله را مطرح کرده است . رفیق کیانوری در گزارش به پلنوم هفتم کمیته مرکزی از بی آمدن های صنفی ناشی از "اشتباهات ، مطلق گرای ها ، قدرت طلبی ها ، انحصار طلبی ها و خود محوری ها در صفوف نیرو های انقلابی" سخن می گوید و ضمن تذکر این که بخش عمده این ها را نمی توان به حساب دشمنی آگاهانه با انقلاب گذاشت تاکید می کند که : ولی این نقایص "در عمل آب به آسیاب امپریالیسم و ضد انقلاب می ریزد" . رفیق کیانوری اضافه می کند :

" اقدامات آشوبگرانه ، تشنج انگیز ، تخریبی ، یعنی اعمال فشار و توسل به قهر برای تحمیل نظریات تنگ گروهی به دیگران جانشین برخورد خلاق انقلابی می شود . قشری گری در مقامات حاکمیت موجب اشتباهات ، زیاده روی ها و دربی آمدن آن ها زبان های جبران ناپذیر در زمینه های دست دادن نیروهای سازنده انقلاب از یک سو و از دست دادن امکانات ، و قتهای گران بها در بسیاری از زمینه از سوی دیگر می شود" .

وهمه این ها : میدان را برای فعالیت دشمنان انقلاب و بهره گیری لیبرال های سازشکار و تسلیم طلبی به طور چشمگیری مساعد کرده است . از زمانی که این حملات گفته شده و مورد تایید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته درست دو سال می گذرد . در این دو سال بر اثر پیروزی مردم و شکستن چندین توطئه امپریالیستی ، امکانات و فرصت های طلایی تازه ای به دست

نیروهای مردمی حاکمیت افتاد که قدرت حاکمه را به طور کامل به دست گیرند و نیروهای را که متحد بالفعل یا بالقوه امپریالیسم اند از قدرت برانند . ولی از این فرصت استفاده نشد ، چسرا که با پیشرفت سریع انقلاب را نخواستند و بسا استعداد آن را نیافتند که همه نیروهای مدافع انقلاب را تجهیز کنند .

البته امروز ، در قیاس با آن چه که بلافاصله پس از انقلاب بود ، موضع نیروهای مدافع انقلاب حتی در حاکمیت قویتر است . روزگاری دولت موقت در دست لیبرال ها و ارتش در دست "تیمسارها"ی شاه بود و نهاد های انقلابی هنوز جایی نداشتند . زمانی دیگر ، رئیس جمهور بنی صدر و بسیاری از ارگان های اصلی دولتی در دست غرب گرایان آشکار بود . امروز وضع بهتر از آن روز است ، اما مسائلی که مطرح است ، به ویژه مسائل مربوط به تحول بنیادی اجتماعی مسائل به مراتب دشوارتری است و به تعلق قوای جدی نیاز دارد . در حال حاضر در ارگان های قانونی چنین تعلق قاطعی به سود نیروهای مردمی موجود نیست .

## نقش تعیین کننده مردم و امام در تناسب نیروها

انقلاب شکوهمند مردم ایران ویژگی برجسته آن دارد که عبارت است از حضور میلیونی مردم در صحنه و پیوند مردم با امام . این ویژگی نیروی عظیم بنیان کنی به وجود می آورد که اگر به حرکت آید هر تناسبی را به هم می زند . همین نیرو است که در گذشته تمام توطئه های امپریالیسم را عقیم گذاشته و حتی زمانی که بخش عمده مقامات دولتی در دست تسلیم طلبان و سازشکاران بود انقلاب را پیش رانده و همین نیرو هم هست که امروز انقلاب را سرپا نگاه داشته است و همین نیرو است که می تواند انقلاب را از بحران و رکود خطرناک کنونی نجات بخشد .

البته امام خمینی ، به عنوان رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران طبق قانون اساسی یک مقام رسمی قانونی است ولی ما این مقام را در محاسبه حاکمیت نیارودیم چرا که نیروی واقعی امام در توده مردم است . دشمنان انقلاب آشکارا با امام دشمنی دارند ، هواداران گرایش راست در حاکمیت نیز می کوشند تا حد مقدور امام را کنار بزنند و نظر او را به حساب نیارند و به تعارفات و تملقات سالوسانه بسنده کنند . دولت موقت زمینه چید که امام به قم برود و از سیاست دور باشد بنی صدر تلاش می کرد که اصولاً از امام نظرخواهی نکند و اگر هم مطلبی گفته شد ندید می گیرد ، در دو سال اخیر هم ما شاهد آنیم که نیروهای راست گرای مدافع مالکین و سرمایه داران تمام توصیه های امام را - در عین تظاهر به ارادتمندی و حتی عشق به امام - پشت گوش می اندازند و هر حرف و پیام او را به میل خود تعبیر و تفسیر کرده و اگر موافق میل خود نیافتند آهسته و ریزه کارانه کنار می گذارند .

از این جا است که ما امام را جزو نیروی مردم می آوریم و توجه به این نکته داریم که حرکت امام و مردم - مردم و امام ، حرکت واحدی است و این بقعه در صفحه ۱۲

# من اصلی مردم ایران ، متحد شویم

# بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بقیه از صفحه ۱۱

حرکت واحد وزنه سنگین غیر قابل قیاسی در تناسب نیروهای داخلی است.

نیروی توده مردم زحمتکش ایران ، از يك نفع جدی رنج می‌کند و آن تفرقه و سازمان نیافتگی است. نیروهای مردمی در احزاب و سازمان‌های دموکراتیک متشکل نیستند. میلیون‌ها کارگزارانی هنوز هم امکان نیافتن آنند که دست کم در سازمان‌های صنفی - سندیکایی خود متشکل شوند و یک سازمان کشوری پدید آورند. میلیون‌ها دهقان زحمتکش سازمان متشکل صنفی ندارند و همچنین است وضع پیشه‌وران و کاسبکاران جزء و دیگر محرومان هوادار واقعی انقلاب.

کوشش مسلمانان واقعی و مردمی برای تشکیل در يك حزب انقلابی تا کنون حاصلی نداشته است. عوامل امپریالیسم و متحدین آن‌ها و عناصر مشکوک و خرابکار از همان آغاز با يك ریش و تسبیح و بیابک اثر مبتذل ضد کمونیستی - که در زمان شاه منتشر گردید - خود را در احزاب اسلامی جا کرده و به مقامات حساس رسانده و توانسته‌اند احزابی نظیر حزب خلق مسلمان را آشکارا به آمریکا بیاورند و در برخی دیگر چون "حزب جمهوری اسلامی" مواضع مهمی را لشغال کنند به طوری که پس از شهادت بهشتی و باهنر، توانستند حزب را به سوی راست بکشانند.

در این میان فقط حزب توده ایران - و سپس سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - بود که به این ضعف مهم نیروهای مردمی و انقلابی توجه کرد و به دور از تنگ نظری و انحصارطلبی هرچه در قوه داشت کوشید که توده مردم را متشکل کند، تفرقه میان خلق را از میان بردارد و جبهه متشکل از همه نیروهای مردمی پدید آورد.

روش و تحلیل حزب ما از انقلاب ایران از همان آغاز نه تنها در ایران ، بلکه در سراسر جبهه وسیع ضد امپریالیستی جهان مورد تایید قرار گرفت. حزب بر پایه سیاست اتحاد و انتقاد در کلیه موارد صادقانه نظرها و هشدارهای بی‌سویه خود را در میان گذاریم.

این تلاش حزب ما البته بی ثمر نماند. کارگران و زحمتکشان به اهمیت شکل بی بردند و بدون تردید در آینده در این جهت بسیار قاطعیت بیشتری عمل خواهند کرد. به علاوه حزب توانست بسیاری از دشواری‌ها را از سر راه جنبش کارگری بردارد و تا حدی خرابکاری چندین ساله عمال امپریالیسم و خدغه ساواک در درون جنبش فائق آید.

این‌ها همه پیروزی‌های مهمی است، ولی متأسفانه تنگ نظری و خود محوری و ترس‌نمیزی‌های بینابینی هنوز مانع بزرگی بر سر راه شکل توده‌ها و اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی مردمی است. در این جایک خلاء احساس می‌شود که از آن فقط دشمنان انقلاب و امپریالیسم آمریکا بهره‌مندی می‌کنند.

## دشواریهای لحظه

با توجه به توصیه مداوم امپریالیسم آمریکا و نیروهای متحد داخلی آن ، و با توجه به شکنندگی تناسب نیروهای درون حاکمیت و ارگان‌های

قانونی ، نتیجه نبرد دو طرف بیشتر از هر زمان دیگری به شرایط لحظه مربوط است. اگر شرایط طوری بود که نیروهای انقلابی آسان می‌توانستند مردم را به میدان آورند و در این باره تردید و دودلی روا نمی‌داشتند ، چه بسا انقلاب دچار بحران نمی‌بود ، ولی وضع چنان است که نیروهای مردمی حاکمیت هنوز از آوردن قاطع مردم به صحنه امتناع دارند. آن‌ها در این امر موافقی می‌بینند که مهم‌ترین این موافق عبارتند از :

۱- جنگ تجاوزکارانه صدام علیه انقلاب ایران

این جنگ را چنان که می‌دانیم ، امپریالیسم آمریکا به راه انداخت و اینک که پیروزی سریع حکومت بعثی عراق مقدور نشده ، با تمام دسایس می‌کوشد که جنگ را فرسایشی کرده و قوای انقلاب را در جبهه تحلیل برد تا در پشت جبهه قدرت را نصیب کند .

در صول جنگ ، آمریکا بارها کوشید که با استفاده از درگیری نیروهای انقلابی در جبهه قدرت حاکمه را نصیب کند . توطئه بی‌صدر ،

ترور شخصیت‌های برجسته انقلاب ، توطئه‌های کودتایی (از نوع توطئه گروه "نیما" و قطب زاده) بمب‌گذاری‌ها و ایجاد محیط تشنج غیر عادی در کشور ، حلقه‌هایی است از تلاش امپریالیسم برای براندازی انقلاب.

این تلاش‌ها با فداکاری و هشیاری توده‌ها و سازمان‌های انقلابی - از جمله حزب توده ایران - عقیم مانده و این امپریالیسم از توطئه باز نایستاده و در تلاش‌ها است که نیروهای مردمی را در جبهه‌های جنگ مهار کرده و هر چه بیشتر این نیروها را در این جبهه درگیر کرده و ریسق آن را بگیرد تا بتوانند در جبهه داخلی قاطع و فعال باشند .

حزب ما ماه‌ها پیش این توطئه امپریالیستی را افشا کرد و هشدار داد . رفیق کنایوری در بررسش و پاسخ آبان ماه خود یادآوری کرد که : "آن چه ما احساس می‌کنیم این است که تله‌ای از طرف امپریالیسم آمریکا کار گذاشته شده است امپریالیسم آمریکا با تمام قوا کوشش می‌کند که همواره نقشه اصلی خود را ، که همه مسئولان و مقامات برجسته جمهوری اسلامی نیز به آن اعتراف دارند ، یعنی تحمیل يك جنگ فرسایشی ، عملی کند ."

متأسفانه این گونه هشدارها که مورد اعتراف و توجه خود مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز هست ، نتیجه واقعی به دست نداده و امپریالیسم لیبرال‌ها موفق شدند جنگ را فرسایشی کنند .

۲- ناروشنی شعارهای اجتماعی - اقتصادی از جهت گرایش مردمی .

دومین مانع بزرگی که در برابر گرایش مردمی وجود دارد و به قاطعیت آن لحظه می‌زند آن است که هنوز برنامه و مشی روشن اجتماعی - اقتصادی ندارد . هم چنان در حال جستجو است و می‌کوشد که نه فقط در شکل پیاده کردن ، بلکه در اصول و باطن آن ، سودی پیدا کند . راهی پیدا کند که هرگز هیچ کس به آن پی نبرده و در هیچ کشور و جامعه‌ای هرگز نظیر آن هم وجود نداشته

است . اشکال ویژه تکامل اقتصادی - اجتماعی تابع شرایط زمان و مکان ، تابع تناسب نیروهای طبقاتی ، درجه رشد اقتصادی و حتی سنسن و فرهنگ جامعه است. از این جهت جستجو بسند نیست ، خوب است اما وقتی کسانی از پیوستن تصمیم می‌گیرند و خود را ملزم می‌کنند که حتماً کاری بکنند که غیر از دیگران باشند و اگر کار خوبی هم دیگران کرده‌اند عمداً ، آن کار را نفی کنند ، در آن صورت پیدا کردن راه حل دشوار و غیر عقلی می‌شود و کار به بن‌بست می‌کشد .

البته مسائل اجتماعی که تا کنون در مجلس و دولت مطرح شده از چارچوب راه رشد سرمایه - داری فراتر نمی‌رود . قوانینی هم که تدوین شده - چه آن‌ها که تصویب شده و چه آن‌ها که رد شده - از حدود قوانین معمول و گاه پیش‌پسافتاده کشورهای سرمایه‌داری خارج نبودند . قانون اصلاحات ارضی که با چنان بدعتی رد شد ، یکی از عادی‌ترین قوانین اصلاحات ارضی کشورهای جهان سوم است که نظیر آن در دهه‌های کشور تدوین و اجرا شده و در آن هیچ چیز ویژه‌ای که به عقل کسی نرسیده باشد وجود ندارد . قانون مالک و مستأجر همان قانون زمان رضاشاهی است و تنها هنرش این است که چیزی بدتر از قانون زمان شاه است و پیش‌نویس قانون کار که به دلیل خصلت آشکار ضد کارگری و عقب افتادگی و حشمتا کوشش "بدیع" و تازه "است" ، با این حال شیاهی به "راه سوم" و "ویژه" ندارد ، اساساً همان قانون کار شاهنشاهی است .

واقعیت این است ، اما از يك سو نیروهای راست‌گرا حتی با قوانینی مثل قانون اصلاحات ارضی مخالفت می‌کنند و کمترین کنترل بر توزیع کالاها را "کمونیستی" می‌دانند (۱) تا انقلاب را به بن‌بست و شکست بکشانند و از سوی دیگر ، نیروهای گرایش مردمی حاکمیت متأسفانه به این نوع شائبه‌ها تن در می‌دهند . از ترس متهم شدن ، تمام تجربیات بشریت را نفی می‌کنند و در نتیجه ، در برابر مسائل بیخبر اجتماعی - اقتصادی بدون راه حل می‌مانند ، تا جایی که حتی پیش‌نویس قانون کار توکلی را نمی‌توانستند صریحاً رد کرده ، پیشنهاد دیگری به جای آن بگذارند . چرا که نمی‌توان قانون کاری اختراع کرد که نظیرش در جهان نباشد .

در نبرد انقلابی برنده کسی است که راه نشان می‌دهد ، برای دردها درمان دارد . وسط راه ماندن و همه چیز را نفی کردن که سیاست نیست .

این دشواری به ویژه از آن جهت بیشتر می‌شود و بحران انقلاب را تشدید می‌کند که همه راه حل‌های اجتماعی - اقتصادی انقلاب ایران باید با موازین فقه اسلامی تطبیق داده شود و این فقه طی هزار و چهارصد سال گذشته در جهت معینی رشد کرده و هنوز بنیاد مسائل نوین جامعه بشری ، همانطور که برخی از فقهایان ما متذکر شده‌اند ، در آن تکامل نیافته و باید در آینده تکمیل شود . توکلی با تعبیر خاصی که از اسلام دارد به آسانی می‌تواند از فقه اسلامی طریق اجازه دادن انسان را بیرون بکشد و در

# بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بقیه از صفحه ۱۲  
 جامعه‌ای که قانون اساسی آن بهره‌کشی انسان از انسان را نفی کرده بابت "اجاره" را قانون کار بنامد اما طرف مقابل که می‌خواهد راه حل نشان دهد هنوز دستش جایی بند نیست، همه مجبورند اعتراف کنند که در طرح آقای توکل با وجود محتوای وحشتناکی که دارد چیزی خلاف اسلام و شرع وجود ندارد. روحانی برجستهای نظیر آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهوری اسلامی و امام جمعه تهران که قطعاً آشنا به مسائل اسلامی است وقتی پیامی به سمینار کارگری می‌دهد تنها توجهی که می‌تواند بکند این است که:

"در فقه اصیل اسلامی و در متون احکام اسلامی بگردید و این تسمین‌ها (یعنی تسمین دوران بازنشستگی و نقض عضو) را برای کارگران پیدا کنید"

و این بدان معنا است که حتی چنین مقام اسلامی هم هنوز راه حل مشخصی ارائه نمی‌کند و باید بروند و بگردند و پیدا کنند.

این دشواری فقط در مورد قانون کار و بنا بر قانون اصلاحات ارضی نیست، کسانی که تعبیر ویژه و یک جانبه‌ای از احکام اسلامی دارند در طول سالیان دراز همه مناسبات سرمایه‌داری را در چارچوب منافع سرمایه‌داران - پذیرفتند و تا کنون در تطبیق هیچ کدام از معاملات سرمایه‌داری معاصر - از بانک و بیمه و خرید و فروش های روی چک و سفته و حتی معاملات چند جانبه مشکوک گرفته تا مسائل مربوط به تولید در بزرگترین کارخانه‌ها با چند هزار کارگر - بافته های اسلامی مشکل ندیده‌اند و ولی در مورد نیاز های انقلاب ، مسائلی که تازه مطرح می‌شود ، وضع چنین نیست ، در این جا دشواری وجود دارد .

آیت الله جنتی ، عضو فقهای شورای نگهبان در نماز جمعه قم می‌گوید که انقلاب مسائل تازه‌ای مطرح می‌کند و باید مطرح کند :

"اگر کسی انتظار داشته باشد که این حرکت انقلاب فقط نظامی و سیاسی باشد این انتظار بسیار خامی است ، حکومت اسلامی خود به خود مشکلات پیدا می‌کند و باید برای این مشکلات بیندیشد و چاره‌جویی کند . حل بسیاری از این مشکلات از راه حل مسائل فقهی و عقیدتی خواهد بود . یک سری مسائل فقهی مطرح می‌شود و در بعضی مسائل گذشته لازم می‌شود تجدید نظر و مطالبه‌های از نو بشود که این مسائل از قبیل نبوده و یا ضرورت نداشته که قسمتی از این مسائل اقتصادی است"

آیت الله جنتی با تاکید بر این که انقلاب را مردم مستضعف و محروم کردند ، و این که دنیا تغییر کرده و مسائل نوین مطرح شده است می‌گوید :

"اگر بنا باشد ما یک چاره‌جویی برای فقه‌بگ‌داریم و نتوانیم یک ملیت‌تختی کنیم اسلام پسه درد امروز نمی‌خورد ، اسلام برای دیروز است"

دشواری این جا است که چنین چاره‌جویی هنوز وجود دارد و مسائل امروز هنوز در آن به درستی منعکس نشده است ، عده‌ای آشکارا قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران را هم غیر شریعی می‌دانند و به آن "اشکال" می‌کنند ولی هتسوز پاسخ شایسته نمی‌یابند .

## تنه‌راه برون رفت - حرکت وسیع مردمی

از آنچه گفتیم می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب شکوهمند مردمی ما به نقطه حساسی رسید ما است ضد انقلاب - که اینک متحدین تازه نفسی پیدا کرده - در به بن بست کشاندن و فلج کردن انقلاب موفقیتی نسبی به دست آورده و همسایه نیروی خود را به کار انداخته است که این موفقیت را تثبیت کند و گسترش دهد . جناح‌های مختلف ضد انقلاب در خارج و داخل کشور ، با وجود اختلاف نظرهایی که با هم دارند ، در کار براندازی جمهوری اسلامی ایران هماهنگ‌اند . امپریالیسم آمریکا این هماهنگی را تامین می‌کند . نیروهای ضد انقلاب و متحدین تازه نفس آن‌ها تا امروز این موفقیت را پیدا کرده‌اند ککار ارگان‌های دولتی و قانونی را در خدمت به مردم فلج کنند . مالکیت‌های بزرگ بی‌حد و حصر را کاملاً شریعی و مقدس اعلام دارند و مدعی شوند که "مالکیت مانند خون شهیدان مقدس است"

آن‌ها موفق شده‌اند که برخی اقدامات کوچکی را هم که در چهار سال گذشته از سوی نهاد های انقلابی به سود مردم انجام گرفته پس بگیرند ، که خود نوعی عقب‌گرد در کار انقلاب است .

روشن است که ضد انقلاب ، به آن چه بسه دست آورده بشنده نمی‌کند و چنان که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده ، تلاش خود را به کار می‌برد تا جای خرد را در حاکمیت محکم‌تر کند و گرایش مردمی را از حاکمیت براند . درد و ماه اخیر ، که هجوم راست‌گرایان شدت بسی سابق‌های یافته بارها سخن از تغییر کابینه و تکفیر برجسته‌ترین نمایندگان گرایش‌های مردمی حاکمیت به میان آمده است . راست‌گرایان بحث از عدالت اجتماعی را در نماز جمعه خلاف شرع دانستند و به سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در دفاع از محرومین اشکال کردند و خواستار پس‌زدن امثال ایشان شدند و اگر توجه کنیم که تناسب قوا در درون حاکمیت شکننده است و سردمداران بازار نیروی خود را از مدتی پیش تجهیز کرده و پشتیبان راست‌گرایان قرار داده‌اند ، باید اعتراف کنیم که خطر کوچک نیست و آقای حجت‌الاسلام فاضل هرندی حق دازد که به‌خطر شکنستن شخصیت‌های مدافع مستضعفین ، حمله به این شخصیت‌ها به قصد کارگرداشتن آن‌ها از انقلاب اشاره می‌کند و می‌پرسد "ما کجا بگردیم مثل هاشمی رفسنجانی پیدا کنیم؟"

اگر این شخصیت‌ها از انقلاب کنار رقتند و روی دشمن باز شد چه کسی این قافله راهبری می‌کند؟

مسئله مهم این است که حمله به این گوشه شخصیت‌ها فقط از طرف مخالف ضد انقلابی رسوا شده و شناخته انجام نمی‌شود . لحن کلام

امثال آقای فاضل هرندی نشان می‌دهد که نیروهای از درون خود حاکمیت و روحانیت ، از میان "برادران" دست به اقدام زده‌اند و به نام حمایت از اسلام ، محیطی به وجود آوردند که بردن اسم "مستضعف" حرام است و به قول آقای هرندی :

"آیا صحیح است که ما جوی بسازیم که بمنسوان حمایت از اسلام کسی جرئت نکند در خطابه‌هایش و سخنرانی‌هایش اسم مستضعف را به زبان جاری کند!"

این جور اعلی امینی و بختیار و بنی‌صدر نساخته‌اند ، کسانی ساخته‌اند که از "ما" هستند ، "حامی" اسلامند ، حجت‌الاسلام کروی هم با اشاو به همین وضع جدیدا است که نگرانی خود را باسراز می‌کند و به "برادران مؤمن" هشدار می‌دهد :

"به برادران خوبان ، به برادران مومن‌مان که آشنا نیستند هشدار می‌دهیم خدای نسنده ساده لوحی نکنند و طعمه این عوامل فساد ، ناخود آگاه ، غیر مستقیم ، با واسطه قرار نگیرند ."

این گریه‌های مرتضی علی که چهار چنگوله پایین می‌آیند ، هرچوری بیندازیشان ، این‌ها می‌گردند آن گوشه و کنار ، به گوش افراد مومن و پاک و ساد طوطی می‌خوانند و جوسازی می‌کنند . این "عوامل فساد" ، این "گریه‌های مرتضی علی" کیستند ؟ آقای کروی اسم نمی‌برد ولی از گفتافت معلوم است که آنان کسانی هستند که دهانشان به گوش "برادران مومن و خوب" نزدیک است .

و این همان چیزی است که ما ماه‌ها پیش آنرا افشا کردیم . رفیق کیانوری در پاسخ به پرسش یکی از رفقای حزبی در شهر بیروماه ۶۱ می‌گوید :

"این که با موسیقی شورای نگهبان (در مورد ملی کردن بازارگانی خارجی) حرکت انقلاب دچار فلج شده و این می‌تواند زبان‌های بسیار بزرگی بسه انقلاب وارد آورد درست است . . . شورای نگهبان هم تنها نیست ، شورای نگهبان (منظور اکثریت شورا است) فقط جزئی است از طیف بزرگی که تلاش می‌کنند به برگرداندن انقلاب . . ."

گروهی که مدافع سرمایه‌داری است طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد و امکانات وسیعی در جامعه ایران و حتی حاکمیت ایران دارد . . . . . رفیق کیانوری در پاسخی به یکی از پرسش‌ها شیوه کار راست‌گرایان را افشا می‌کند و می‌گوید :

"امروز بهترین عناصر انقلابی وفادار به خط امام خمینی را از دوجهت مورد حمله قرار می‌دهند . تروریست‌ها آن‌ها را با بمب و گلوله هدف قرار می‌دهند ، و آن موزیان سازشکارها امپریالیسم‌ساز راه افترا و تهمت‌زدن به عناصر صدیق ."

عناصر صدیق خط‌امامی را لکه دار می‌کنند تا بتوانند آن‌ها را از پست‌های حساس برکنار کنند و خود تمام دستگاره را در دست خود بگیرند و ضربه نهایی را در نقطه مناسب به انقلاب وارد کنند ."

در چنین وضعی تنها راه برون رفت وارد شدن مردم در صحنه است تا نگذارند که سرزنشست انقلاب در جوسازی‌های درگوشی و بحث‌های ظاهراً "علمی و اسلامی" پشت‌پرده و از طریق سوءاستفاده از مقام دولتی و قانون تعیین‌شود . ورود مردم به میدان است که تمام حساب‌ها را به هم خواهد زد .

# بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

پنجم از صفحه ۱۳  
 مرحله کنونی نبرد روشن تر و آشکارتر از همه نبردهای گذشته طبقاتی است. مدافعان سرمایه - ازی مارنر که ثبات اسلامی به چهره زده اند دانسته و طبق نقشه می خواهند این واقعیت را نفی کنند. تقسیم جامعه را به طبقات اجتماعی، شکاف عظیم بین عارتگران و محرومان را انکار کنند، تا سرمایه های عارت شده و املاک عصبی خود را نجات دهند. دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی - یکی از همان "برادران" که به درگوشی "مسلحانان مومن" می خوانند اذعا دارد که گویا "گرایشات طبقاتی و صنعتی و ایجاد محرومانی بر اساس لایبندی اجتماعی و اقتصادی از آنهایی است که ممکن بود انقلاب اسلامی ما بدان مبتلا شود".

ولی در واقع چنان که آقای کروبی می گوید: "آنی که انقلاب با آن درگیر است سرمایه دارها هستند". طبقاتی بودن این نبرد ایجاب می کند که شعور طبقاتی زحمتکشان هرچه بیشتر و تشکل طبقاتی آنان هرچه محکم تر باشد. در برابر بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران کمبسیار خوب مشکل و مجربند فقط مردم می توانند با بیستند و پیروز شوند که آگاه و متشکل باشند. متاسفانه در این زمینه نیروهای خط امامی به نوبی ترس فلج کننده دچارند و از این که آگاهی مردم به طور پیگیر پیش رود و آن ها مسائل راستا آنها درک کنند و از این که توده ها در سازمان ها خود متشکل شوند می ترسند. در نتیجه، همواره مبارزات نیمه کاره می ماند، مردم می رومند، شهید می دهند، فدکاری می کنند اما سرانجام نتایج را که می بایست می گیرند. عده های دشمن مردم مسلح به رش و تسبیح و متاسفانه گاه با کمک خط امامی ها، می آیند و در حکومت جامی گیرند. اگر در نبرد سنگینی که در پیش است نیروهای مردمی بر تزلزل و دودلی خود چیره شوند و هم چنان به نیمه کاره ماندن و استخوان لای زخم کمک کنند مشکل خواهند بود. کاری که برای روشن کردن مردم و طرح مسائل با مردم آغاز شده خوب است ولی به شرطی که پیگیر باشند. خطر دشمن جدی است. ضد انقلاب نیسرو و امکان فراوانی در اختیار دارد. جنگ تجاوز - کارانه عراق علیه ایران نیروهای مردمی را به شدت تحلیل می برد و شرایط را برای ضد انقلاب فراهم تر می کند. اگر امروز هشیار نباشیم، اگر امروز اقدام نکنیم، به گفته بسیار درست آیت الله اردبیلی: "فردا دینار است".

## حزب توده ایران مدافع پیگیر انقلاب و اتحاد نیروهای انقلابی

حزب توده های ما، با روشن بینی و تحلیل دقیق علمی، از همان آغاز به طور قاطع در صف نیروهای پیگیر انقلاب بوده و در نبرد ضد امپریالیستی و نبرد برای تحول بنیادین اجتماعی در

سنگر اول جا داشته و دارد. تمام تحلیل های حزبی مندرج در اسناد حزب ما و همه عملکردها و موضع گیری های ما در طول دوران انقلاب و پس از آن درستی خود را با تجربه به ثبوت رسانده است. برنامه حزب توده ایران مصوب پلن سوم هفدهم (فروردین ۶۰) در جریان نبردهای یخچرخ دوساله اخیر درستی خود را به طرز درخشانی نشان داد. این برنامه و هم جنین تمام تحلیل های روشن بینانه ای که در مطبوعات حزب ما درج شده و به ویژه در نوشته ها و سخنرانی رفیق کیانوری به پرسش های مطروحه آمده، هم چنان راهنمای عمل حزب است.

بازداشت رهبران حزب ما و اقدامات دیگری که از سوی محافل راست گرایان و به تحریک و نوطنه ضد انقلاب آشکار انجام میشود و فقط دشمنان انقلاب را خرسند می کند - خود دلیل تازه ای است بر صحت مشی انقلابی حزب ما. رفیق کیانوری در شهر پیروماه می گفت: معنی "توده های تیرباران" عبارت است از "مرگ بر قانون اصلاحات ارضی"، "مرگ بر اصل ۴۹ قانون اساسی"، "مرگ بر قانون اراضی شهری"، "مرگ بر سازمان های مستقل کارگری"، "مرگ بر آزادی"، "مرگ بر همه دست آورد های انقلاب". اینها همه از يك منبع بر می خیزد. بعد از "مرگ بر توده های" - اگر جا بیفتند - آن مرگ های دیگر هم علمی می شود. و آنوقت مرگ بر پیروان خط امام، "زنده باد آمریکا"، "زنده باد غیرت بی بند و بار سرمایه داری" و "زنده باد وابستگی آریامهری به امپریالیسم"، شعارهای بعدی است.

همه این ها در يك ستاد ساخته می شود. و آن ستاد جنگ روانی امپریالیسم آمریکا است. امروز صحت این نظر مثل روز روشن است. همان هایی که قانون اصلاحات ارضی را رد کرده و آشکارا از غارتگری سرمایه داری دفاع می کنند رهبران حزب توده ایران را هم بازداشت کرده اند و مسلما جواب های بدتری برای انقلاب دارند و تا وقتی "شعار مرگ بر آزادی" و "زنده باد آمریکا" را برقرار نکنند بجای خود آرام نخواهند نشست.

اشتباه بزرگ برخی از پیروان خط امام این است که گمان می کنند اگر آزادی های سیاسی و اجتماعی را محدود کنند و اگر خود را ضد کمونیست تر از مدافعین خرابکار سرمایه معرفی نمایند، کارشان بهتر پیش خواهد رفت. ایکاش پی آمد های فلاکت یار چنین اشتباهی که بارها در ایران و کشورهای نظیر آن بر سر انقلابیون اشتباهکار فرود آمده، بر سر دوستان نا آگاه و خود محور ما نیاید.

آن چه که مربوط به اعضا و هواداران حزب ما است، آن ها به پیروی از برنامه روشن و انقلابی خود و با درک حساسیت لحظه و وسعت خطر، با آمادگی در نبرد طبقاتی کنونی شرکت

می کنند و می کوشند تا انقلاب شکوهمند ما از این خرابکاری هم بگذرد. ما برای تحول بنیادین جامعه و حل همه مسائل مبتلا به مردم برنامه روشن داریم. رفقا و هواداران حزب این برنامه ها را بیش از پیش به میان مردم می برند، در برابر دشمن آگاهی طبقاتی و کمک به تشکل توده ها با تمام قوا می کوشند. پیوند با مردم و بودن با مردم شعار اصلی توده های ما است و هشیار، هشیار! همه جانبه سیاسی و سازمانی وظیفه درجه اول آن ها.

سختن استوار مشی انقلابی حزب ما تلاش برای اتحاد نیروهای انقلابی است. این تلاش را در شرایط کنونی باید ده چندان کرد. دشمنان آگاه، عوامل خرابکار از بازداشت رهبران حزب ما قبل از همه تفرقه افکنی را در نظر دارند. آن ها می کوشند که اتحاد عمل نیروهای انقلابی را غیر مقدور سازند. این خرابکاری را باید خنثی کرد.

روشن است که در شرایط کنونی مسولیت اساسی با رهبران جمهوری اسلامی ایران و به ویژه با پیروان خط امام است. آن ها هستند که باید با هشیار، دقت، یکی کردن حرف و عمل و مراعات قوانین جمهوری اسلامی ایران، ریشه های تفرقه را بخشانند و به اتحاد نیروهای انقلابی کمک کنند.

آزادی بی قید و شرط رفیق کیانوری و سایر رهبران و فعالین حزب توده ایران و پذیرش نص و روح قانون اساسی در باره آزادی فعالیت حزب ما، گام مهمی در جهت همکاری نیروها خواهد بود. هم چنان که بازداشت غیرقانونی این رهبران به تفرقه و تشنج و ایجاد محیط غیرعادی در کشور کمک کرده است.



# روستای ایران در انتظار تحول

انقلاب بزرگ ما، در ماهیت خویش انقلابی ضد امپریالیستی و مردمی است. یعنی هدفهای استراتژیک اساسی هر کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی و طرد هرگونه وابستگی و تأمین حقوق حقه توده مردم زحمتکش است.

این انقلاب برای پیروزی قطعی و تثبیت خویش باید یک رشته وظایف اساسی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را به انجام برساند و مسئله حاکمیت را به سود خط ضد امپریالیستی و خلقی حل کند. دشمنان انقلاب در کمین اند. باید انقلاب را بازگشت ناپذیر ساخت.

در مسئله ارضی وظیفه اصلی کنونی برای رسیدن به هدف پایهای انقلاب عبارتست از انجام اصلاحات ارضی بنیادی به معنای ریشه کن کردن تمام و کمال مالکی در تمام اشکال و ایجاد آن زمین داران کلبه دار دهقانان بی زمین و کم زمین، رساندن حقوق به حق دار بر شالوده منافع منظم طبقاتی دهقان زحمتکش.

به عقیده ما نمایانست سالها منتظر رسیدن به این هدف شد و اهلان پذیر می بود که بنا علیه بر کارشکنی روحانی نمایان دیدن از شمار از مدت ها پیش به این هدف رسید. ما معتقدیم که انقلاب ما و توده مردم حق طلب روستایی ما آن توان لازم اجتماعی را داشتند (و دارند) که بر مقاومت اربابان و خولین و زمین داران سرمایه دار و ایادی آنها فایق آیند. اما در این زمینه حساس و حیاتی، هنوز این مسئله با حدت تمام در دستور روز انقلاب ما باقی است. بدون اجزای اصلاحات ارضی بنیادی و بدون ریشه کن کردن بزرگ مالکی (بند "ج" مربوط به ارضی بایر بزرگ مالکان و بنسند "د" مربوط به ارضی دایر آنست) انقلاب ما پسا نخواهد گرفت. انصبتی که همه انقلابیون برای اجرای بندهای "ج" و "د" یعنی خلق بند از بزرگ مالکان در تمام اشکال خانجاسی و فئودالی و سرمایه داری آن، حل مسئله زمین و مالکیت آن به سود دهقانان تهی دست، به

سود اقتصاد کشاورزی ما، به سود امر تحکیم انقلاب قائلند از همین جا ناشی میشود. بدون این گام انقلاب در بیش از شصت هزار روستا و در میان نزدیک به بیست میلیون ایرانی روستا نشینان زحمتکش و همدمان امیدوار، ریشه نخواهد دوانید و به همین علت متزلزل و در معرض پورش و تهدید باقی خواهد ماند و بنه تثبیت و تحکیم نائل نخواهد شد. اصلاحات ارضی بنیادی یکی از آن محمل های اصلی است که بدون آن انقلاب ما در همین مرحله اول ناهم و سترون خواهد ماند.

تجربه بیش از پیش به انقلابیون صد یحقی می آموزد که میان مبارزه در راه ریشه کن کردن تسلط جا برانه و فارتگران امپریالیستی و لزوم انجام دگرگونیهای بنیادی در نظام اقتصادی

کشور به سود مردمان جامعه در جهت محدود کردن غارت فارتگران و سود جویان را بطسعه ناگسستی و اجتناب ناپذیر وجود دارد. نمیتوان انقلابی صدیق و بیگیر علیه امپریالیسم بود و به سمت گیری نظام اجتماعی - اقتصادی کشور و منافع حقه طبقاتی زحمتکشان بی اعتنا میناسند.

و اما در مسئله ارضی و چگونگی حل آن ما معتقدیم که پس از انجام وظیفه حیاتی و اصلی اصلاحات ارضی بنیادی و ریشه کن کردن بزرگ مالکی، باید همه گوشه را بزار برد تا در این زمینه نیز در خارج سیاست عمومی کشوری و در مشی عمومی طرد سرمایه داری - جلوگیری سرمایه داری در کشاورزی و در روستاها را گرفت. نیاز به اثبات و استدلال ویژه ندارد که صرف ریشه کنی بزرگ مالکی، به خودی خود، منجر به الغای استثمار در ده و حل مسائل مختلف

کشاورزی نخواهد شد و تضمینی برای عدم جان فشینی نظام استعماری دیگری بوجود نخواهد آورد. لازم است تدابیر ویژه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای اجتناب از آن اتخاذ شود. غلبه بر عقب ماندگی فرهنگی بسیار سنگینی که از بنه شوم قرنها سلطه صاحبان زر و زور و تزویر و نظام فساد پرور، بهره کشی و ستکسری بوده است وظیفه مهم انقلاب و جنبه برجسته ای از سلسله تدابیری است که برای یک سمنگیری نوین مردمی ضرور است. یک انقلاب فرهنگی واقعی، از ریشه کنی بیسوادگی گرفته تا اشاعه دستاورد های علم و فن و هنر و فرهنگ ایرانی و جهانی، از توضیح و تبلیغ و ترویج مسائل گوناگون زندگی روستائی و منطقی و ایرانی و جهانی در همه زمینه ها گرفته تا باور ساختن و شکوفایی کردن بهترین سنتهای فرهنگ بومی و ملی و احیای آداب و رسوم مترقی و خلقی و در این سلسله تدابیر جای خواهد گرفت.

در زمینه کشاورزی برنامه حزب توده ۱۶

## وضعیت دهشت بار زنان زحمتکش روستایی

یکی از درد های عظیم جامعه ما مسئله زنان زحمتکش روستائی است. زنان روستائی هنوز از هرگونه امکانات رفاهی محرومند.

بخش عمده دختران روستائی از تحصیل محرومند. بیری زود رس در همه زنان زحمتکش روستا مشاهده می شود.



زنان روستائی با تجاوز آمریکائی - صدامسی به خاک میهن ما با افزایش تولید، تهیه و جمع آوری ارزاق، آلبسه و وسائل برای جنبه های جنگ تا به امروز به وظائف انقلابی خود بنحو شایان توجهی عمل کردند. زنان روستائی عزیزان خود را برای حضور در جنبه های جنگ بدرقه کرده اند. زنان روستائی هیچگاه از وظیفه انقلابی و میهنی خود غافل نبوده اند. به این جهت انتظار دارند در مقابل این جانفشانی هایشان برای تحکیم انقلاب و پیروزی در جنگ، با ابتدائی ترین نیازهای آنان بر آورده گردد.

آموزشی، بهداشتی و حقوق اجتماعی محرومند. آنان باید هم به امر خانه رسیدگی کنند، هم در مزرعه کار کنند، گاو و گوسفند ها را بچرانند یا عمر خودشان را در کارگاههای نسوز قالیبافی برای شند نظری بگذرانند. زنان روستائی در اثر فقر از بام تا شام کار می کنند، ولی ثمر کارشان توسط بزرگ مالکان و سرمایه داران غارت می شود. هنوز اکثر نزد یک به اتفاق زنان روستائی بی سواد و گرفتار آداب و سنن عقب مانده می باشند. ساعات کار روزانه زنان روستائی مشخص نیست. زن روستائی از مرد روستائی بیشتر کار می کند.

# روستای ایران در انتظار تحول

بقیه از صفحه ۱۵

ایران برای این دوران تاریخی بر سه اصل تکیه میکند: شکوفایی اقتصاد کشاورزی، زدودن استثمار و ستم، بهره‌وری دهقانان.

اقتصاد کشاورزی ما را رژیم گذشته به نابودی کشانید. ما در یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان با منابع فراوان طبیعی و با امکانات شکست‌ناپذیر زندگی میکنیم ولی دارای یک کشاورزی عقب‌افتاده هستیم. نه فقط چند میلیون عشایر ایرانی، بلکه اکثریت بزرگی از نزدیک به بیست میلیون روستایی ایران با شیوه تولیدی عقب‌مانده و مردمک به زوالی دست‌گیرباندند. در مناطق قابل توجهی مناسبات ایلخانی و پدرسالاری و نیمه فئودالی واز با این سیطره خود را حفظ کرده و مناسبات سرمایه‌داری در همه جا از بقایای مناسبات ماقبل خود استفاده می‌کنند. و به خاطر استثمار شدید تر بر آنها تکیه می‌زنند. و آمیزهای دردناک و فقر آفرین ایجاد میکنند. برخی واحدهای مدرن همچون جزایر کوچکی در میان اقیانوسی از وسایل تولید بسیار کهن

پراکنده‌اند و گاه دهات با سیاه جاد رها می‌نمایند. مینینم که کوئی از هزاران سال قبل دست نخورده باقی مانده‌اند. از منابع آب و خاک همانقدر که هست، از مراتع و امکانات دامپروری، از جنگل‌ها، استفاده مخفول نمی‌شود. برعکس، این منابع وسیعاً رویه نابودی میرود. محصول در همین رشته‌های حیاتی تکافوی نیازها را نمیکند. در حالیکه بنا به ارزیابی متخصصان متعهد به انقلاب در بسیاری از رشته‌ها میتوانیم نه فقط خودکفا، بلکه صاد رکنده باشیم. به این وضع باید پایان داد.

استثمار و ستم از دیرباز ریشه‌های عمیق در روستاهای ایران دارند و آثار جراحیات مهلک آن بر چهره دهات میهن ما نقش بسته است. بهره‌کنشی و زورگویی و جق‌کنشی و فریب، این همزادان همیشگی نظامات عشیره‌ای و اربابی طی قرن‌ها به جزئی از نحوه زندگی در جامعه روستایی ما بدل شده است. انواع زورگوییان و بهره‌کشان در روستاها از عوامل خان و مباشران

گرفته تا واسطه‌ها و سلف‌خرها، از عوامل گوناگون بهره‌کشان شهری گرفته تا برخی مسامران باقیمانده از رژیم گذشته یا تازه به دوران رسیده از سنت‌های بهره‌کنشی و ستم‌سوز استفاده میکنند و خواهند کرد.

بهره‌وری دهقانان زحمتکش عامل مهم دیگری است که در برنامه حزب سوسیالیست ایران در زمینه امور کشاورزی و دهقانی بر آن تکیه میکند. اصولاً هدف از ایجاد اقتصاد شکوفتاً و رفیع ستم و استثمار، هدف از این همه کوشش و فداکاری بهره‌وری تسوده‌های مردم، سعادت آنها و نسل‌های آینده است. بهره‌وری تسوده رحمت لازمه طرد راه رشد سرمایه‌داری و نتیجه آن است. لازمه سمت‌گیری سوسیالیستی و پیانده آن است. وضع زندگی وحشتناک اکثریت عظیم دهقانان تسوده‌ست، این کوع نشینان و محروم از آموزش و بهداشت و تندرستی و فرهنگ باید از ریشه عوض شود. در حال حاضر در باره دهقانان و ایل نشین ایرانی از "رفاه" صحبت کردن خیال پردازی افسانه‌وار مینماید. آنها اکنون به حداقل شرایط زندگی نیازمندند. آنها از ابتدائی‌ترین شرایط زیست انسانی محرومند. در خانواده هشت نفری یک ایل نشین بختیاری که فقط شش‌شنا سنامه دارد، هیچ‌یک تندرست نیستند و همه بیسواد هستند. "مایلیک" خانوادگی تنها یک جاد در سیاه است زنده و پاره، یک کپواز و یک سینی برای پختن نان و یک بقیه خرت و پرت. بهداشت و آموزش، تفریح کودک و استراحت مادر، موقلاتی هستند خارج از وهم و خیال و باور نکردنی. تنها داری در داندان در د کد کبی از خانواده که موجب شبن بینجویی شده، دمید خورشید و آمدن روز است تا شب بعد.....

این خانواده نمیتواند نوشته‌های روی کوبس را بخواند تا سهمیه قند خود را بگیرد و زیر جاد را، این "مسکن" مشترک هشت انسان و چند بز و گوسفند، جای خود را شیرین کند. و از اینها در دهات و عشایر میلیونها نفرند. انقلاب بزرگ ما وظیفه حیاتی و جاد دارد که به این وضع رسیدگی کند. و نه تنها هر چه زودتر جنگال موخر مرض و فقر و بیسواکی را از جان دهقانان کوتاه کند. و حداقل شرایط زندگی انسانی را برای آنان فراهم آورد، بلکه افق بهبودی و ادوم این شرایط را در زمینه‌های مختلف مسکن و عمران روستا، بهداشت و محیط زیست، آموزش و گسترش فرهنگ ایجاد کند. در برنامه حزب ما هم پیوندی رشد اقتصاد کشاورزی با ایجاد تغییر جدی در شرایط زندگی وحشتناک کوئی خاطر نشان گردید است. در برنامه، بر ضرورت توزیع عادلانه درآمد ملی، تامین اشتغال برای همه، تامین بهداشت عمومی و بیمه‌های اجتماعی، تهیه مسکن انسانی مقناوم، ریشه‌کن کردن بیسواد و آموزش اجباری هشت ساله به زبان مادری که همه برد دهقانان نیز است تاکید شده است. همه اینها جزئی است از یک برنامه اصیل گسترش و زرفش انقلاب از راه سرمایه‌داری رسند به بهره‌وری دهقانان در ایجاد مختلف مسادی و معنوی آن محال است.

## راستگرایان با مناسبات ایران با کشورهای دوست انقلاب حتی در حد "تعارف" هم موافق نیستند!

"با وجودیکه در چهار سال گذشته پس از انقلاب، محافل امپریالیستی لحظه‌ای از توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران باز نایستادند، و حتی از دخالت نظامی و تهدید آشکار بسمه تکرار وسیع‌تر آن نیز اجتناب نکردند و نمی‌کنند، گرایش راست، موفق شد بهترین مناسبات واقعی و خارج از تعارف را با آنها و کشورهای وابسته به آنها از نوع ترکیه و پاکستان حفظ کند و گسترش دهد و در عوض مناسبات با کشورهای پیشرو چون لیبی، سوریه و الجزایر را در حد تعارف نگاه دارد و هر چند گاه تیره سازد." (اعلامیه کمیته مرکزی حزب سوسیالیست ایران ۱۱/۱۱/۶۲)

اهداف خود سوز استفاده کنند. بارها قشر بیون با طرح شعار "مرگ بر بی‌حجاب" کوشیدند و می‌کوشند که با تحریک احساسات مذهبی مردم به اهداف خود دست یابند، بسمه نحوی که دولت مردان جمهوری از جمله حاجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس در نماز جمعه به افشای این شیوه‌ها پرداخته اخیراً وزارت کشور هم در اطلاعیه‌ای نسبت به "سوز استفاده" برای "لکه دار ساختن جمهوری اسلامی" هشدار می‌دهد و از جمله می‌نویسد: "جهت جلوگیری از هرگونه سوز استفاده عوامل ضد انقلاب و گروه‌های مفسد که پیوسته در صدور لکه دار ساختن جمهوری اسلامی می‌نمایند، درخواست میشود از اقدامات شخصی و جمعی (در مقابل "متجاوزین به فسق") خودداری ورزیده و احرازه دهند مسئولین از مجاری قانونی عمل نمایند، در غیر اینصورت متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت." (شهبان ۱۳ اسفند ۶۱)

اکنون نیز "عوامل ضد انقلاب" و فئودالی می‌کوشند با تحریک احساسات "توریست‌های ایرانی که به سوریه سفر می‌کنند، روابط در حد تعارف بین جمهوری اسلامی ایران با "تنها کشور عربی" جایگزین ایران در جنگ تحمیلی عراق را تیره کنند و به سردی بکشاند. این "سوز استفاده" به لکه دار ساختن جمهوری اسلامی می‌انجامد و به حالی کردن بیشتر پشت انقلاب و در ساختن متحدان طبیعی و واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی از آن دامن می‌زنند.

باید دست سوز استفاده شندلان را قطع کرد.

به گزارش روزنامه فرانکفورت الکمن (۲۴ مارس ۱۹۸۲، ۴ فروردین ۶۲) در جریان مسافرت ۶۰۰۰ توریست ایرانی به سوریه، که تنها کشور عربی است که جانبدار ایران در جنگ آن با عراق، است. "برخورد و کشمکش بین توریست‌ها و پلیس" ایجاد شده است. علت این برخورد را این روزنامه کوشش "توریست‌ها" برای انتقال و گسترش دادن انقلاب ایران به سوریه، که در مخالفت "توریست‌ها" با فیلم‌های "بد" و "لباس‌های تابستانی زنان شهری و ارضایی" تظاهر کرده است، قلمداد می‌کند.

روزنامه سرمایه‌داری بزرگ آلمان بطور غیر مستقیم "توریست‌ها" را تشویق می‌کند با "همفکران خود"، "اخوان المسلمین" که دشمن خوئی رهبری سوریه هستند تماس بگیرند.

این نمونه یکبار دیگر می‌آموزد که چگونه فئودالی قادرند و قادر شده‌اند از احساسات مذهبی افراد معتقد به مذهب برای پیشبرد



# برنامه مشترک علیه امپریالیسم و جنگ

بقیه از صفحه ۵

بعضی مسائل ایدئولوژیک، تفاوتها بین در ساختن اقتصادی - اجتماعی و سطح تکامل اقتصادی و همچنین در اشکال مشخص و موفقیت در تحولات جاری. اما آنها در عین حال در اهداف واحدی مشترکند. چنانکه در اسناد بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است، این جهات عبارتند از، "در هم کویدن تدریجی مواضع انحصارات امپریالیستی و یوزواری بزرگ ملی و قوتو آنها، محدود کردن فعالیت سرمایه های خارجی و گرفتن اهرمهای کلیدی در اقتصاد بوسیله دولت خلقی و نیز رشد نیروهای مولده از طریق برنامه ریزی و تشویق جنبش تعاونی در روستا ها، ارتقاء نقش توده های زحمتکش در حیسات اجتماعی، ایجاد دستگاه مؤثر دولتی از راه تقویت تدریجی آن بوسیله کادرهای متعهد در برابر خلق و اتحاد سیاست خارجی ضد امپریالیستی در این کشورها، احزاب انقلابی که بیانیگر منافع توده های بزرگ زحمتکشان هستند در این کشورها تحکیم می پذیرند".

بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی می - کوشند مشکلات خود را از طریق اختیار راه رشد سرمایه داری حل کنند. با وجود این در میان این کشورها که در اکثریت هستند، بسیاری وجود دارند که منافع ملی و حق حاکمیت خود را حفظ میکنند. این مسئله اغلب به مقابله جدی با امپریالیسم می انجامد. و مهمتر از همه، توده های خلق زحمتکشان این کشورها هنوز حرف آخر خود را در انتخاب راه تکامل بهتر نزد مانند. با وجود تمام تفاوتهای کشورهای در حال رشد، عواملی وجود دارند، که آنها را به هم نزدیک میسازد تا برنامه مشترکی برای مبارزه در راه آینده ای بهتر تهیه نمایند. این عوامل در درجه اول عبارتند از: مخالفت با امپریالیسم، یعنی مبارزه در راه صلح، آزادی و استقلال، یعنی برای رفع تانده های استعمار سیاسی، تمییزات اقتصادی و نژادگرایی و تبعیض نژادی شرم آور و همچنین آزاده خلل ناپذیر برای آقایی در خانه خود، توده های خلق در مستعمره ها و نیمه مستعمره های سابق، در دوران آغازین جنبش آزادی بخش ملی پس از جنگ دوم جهانی، با کوشش و پوست خود احساس کردند که امپریالیسم نیروی است بین المللی و اینکه با دشمن مشترک میتوان با مبارزه مشترک قاطع با متحد ساختن تلاشهای تمام مبارزین راه آزادی ملی و اجتماعی مقابله کرد. یکی از اشکال متحد ساختن کشورهای در حال رشد، جنبش غیر متعهد هاست که در تاریخ بیست ساله خود به عامل مهمی در زندگی بین المللی تبدیل شده است. اصل همزیستی سلامت آمیز شالوده جنبش غیر متعهد ها را از همان آغاز کار تشکیل میداد. اصلی که کشورهای عضو جنبش تحقق آنرا ضمانت اصلی برای رستاخیز ملی و تکامل آزادانه خود تلقی میکنند.

فعالیت جنبش غیر متعهد ها پیوسته بر این شناخت استوار بوده، که امپریالیسم دشمن اصلی

میان خود را گسترش میدهند تا به اهداف اقتصادی معین نائل آیند. برنامه طرح ریزی نون مناسبات اقتصادی جهانی که "گروه ۷۷" در سال ۱۹۷۹ در آروشا (تانزانیا) پیشنهاد کرده است، نیز همین منظر را دنبال میکنند.

تحکیم مناسبات اقتصادی و بازرگانی کشور - های در حال رشد با کشورهای جامعه سوسیالیستی استقلال اقتصادی این کشورها را تأمین میکند. مبارزه برای طرح ریزی نون مناسبات اقتصادی جهانی در چهارچوب مبارزه مشترک تمام نیروهای انقلابی معاصر علیه امپریالیسم، استعمار و نوس - استعمار، نژادگرایی، علیه اشکال تسلط بیگانه و اختناق و همچنین آزادی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای جهانی تکامل مییابد.

سازمانهای دیکراتیک بین المللی که میلیونها انسان از کشورهای گوناگون را در صفوف خود گرد آورده اند، نقش پیوسته فزاینده و مشکل کنندهای را ایفا میکنند و به عامل بسیج کننده همواره توانمندتری در جنبش جهانی برابر توقف سایقه تسلیحاتی و خلع سلاح تبدیل میشوند. در عین حال نیروها و سازمانهای اجتماعی جدیدی در عرصه جنبش فعال ضد جنگ و ضد موشکها ظاهر شده اند.

اکنون بیش از ۴ هزار سازمان از این نوع موجود است. بخش مهمی از این گروهها، با وجود تمام تفاوتها در اهداف، خصوصیات و اشکال فعالیتشان، فعالانه در راه حفظ صلح و جلوگیری از جنگ هستی مبارزه میکنند.

خلقهای آسیا و آفریقا از نیروهای برخوردارند که باید به مبارزه فعال در جنبش صلح گشائنده شوند.

مسئله بر سر اینست که جنبش صلح ابعاد حق الامکان بزرگتر و خصوصیت اجتماعی نمایانی در کشورهای آسیایی و آفریقا بیابد، چنانکه در ارضای آمریکا و ژاپن یافته است.

خلقهای آزاد شده است. جنبش غیر متعهد ها مبارزه مشترک همراه با کشورهای سوسیالیستی در راه صلح و تنش زدایی را به مثابه شالوده موفقیتهای آتی خود قلمداد میکند. شماری از کشورهای سوسیالیستی و تمام کشورهای با سمت گیری سوسیالیستی مستقیماً در این مبارزه شرکت داشته و به تحکیم جنبش همسر متعهد ها بر پایه صلح آمیز و ضد امپریالیستی خدمت میکنند.

یکی از شاخص های عمده جنبش غیر متعهد ها در این سهفته است که فعالیت خود را هماهنگ با سازمانهای بین المللی شناخته شده ای نظیر، سازمان ملل متحد، سازمان وحدت آفریقا، اتحادیه عرب، سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا و سازمانهای دیگری که بعنوان ناظر در جنبش غیر متعهد ها شرکت دارند، انجام میدهند.

با توجه به اینکه استقلال ملی با استقلال اقتصادی ارتباط ناگسستگی دارد، باید پیوسته در نظر داشت که کسب استقلال ملی توسط کشور های جوان هنوز شروع مبارزه یغریخ برای برابری اقتصادی است. در مرحله کنونی مبارزه ضد امپریالیستی، مسائل رشد اقتصادی مستقل به یکی از بنکات مقابله میان کشورهای آزاد شده و قدرتمندی امپریالیستی تبدیل شده است. این مسئله به تشدید عینی مبارزه ضد امپریالیستی خلقها انجامید و محتوای اجتماعی و سیاسی اقتصادی نونی به این مبارزه می بخشد. بویژه آندسته از کشورهای جوانی که پیگرانه از سیاست عدم تعهد پیروی می کنند، اتحاد خود را مستحکمتر ساخته و همکاری

## دشمنان انقلاب در صد بازپس گرفتن مواضع از دست داده خود هستند.

بقیه از صفحه ۱

آنها این "بحث" را هم همانند وسیله "ارتاب" در دهه، وسیله "کار" خود قرار داده اند. پاسخ های دندان شکن آیت الله موسوی اردبیلی به "اساتید حوزه"، که ۴ نفر از آنها را خلع سلاح کرد، نشان می دهد که حرف زحمتکشان و مدافعان منافع آنها حق است.

باید این دلایل را همانند آیت الله موسوی اردبیلی وسیعاً با خلق در میان گذاشت، باید آن نیروها و "اساتیدی" که برای بازپس گرفتن دستاوردهای انقلاب وقت مدافعان انقلاب را برای "بحث" می گیرند یا نام به مردم شناساند و از مردم برای دفاع از دستاوردهای انقلاب کمک خواست!

این است تنها راه حفظ دستاوردهای انقلاب و بازپس راندن کوشش راستگرایان برای بازسازی گذشته سیاه!

ما از مقاومت سلفانان مبارز در حفظ این دستاوردها پشتیبانی می کنیم!

آنها هم به زور، به تخته شلاقهای قدیمی و انواع جدید آن متوسل میشوند، و هم از امکانات مالی و امکانات سنتسی دیگر خود سود استفاده می کنند تا به ارتاب هیئت های هفت نفره، به ارساب دهقانان زحمتکش دست بزنند و از این طریق زمین ها را از جنگ دهقانان دوباره بدر آورند. این شیوه فقط در میهن ما انجام نمی شود. هجوم نیروهای راستگرا به انقلاب پیروزند ۱۹۷۴ پرتغال، به دستاوردهای آن، از جمله بااصلاحات ارضی انقلابی، درست به همین راه رفت. راستگرایان ضد انقلابی پرتغال با برخورداری از نیروی کلیسای کاتولیک، که در خدمت ارتجاع عمل می کرد و می کند، به بازسازی دوران سیاه گذشته به ویژه در شمال پرتغال نایل شدند. راستگرایان، همانطریق که آیت الله موسوی اردبیلی افشا کرد، برای دستترسی به این هدف شوم خود از "بحث" کردن هم ابائی ندارند!



## آمریکای کوشد جنگ را گسترش دهد

در هفته گذشته بلندگوهای امریالیستی جار و جنجال زیادی بر سر نفت خام، کسافاز چاههای صدمه دیده نفت ایران در خلیج فارس خارج می‌شود، براه انداختند. آنها با سوء استفاده از این بستنی که جنگ به آن کشانید شده است، به تبلیغات دامن‌داری دست زدند تا افکار عمومی را برای تدارکات نظامی گسترده امریالیسم و متحدانش در منطقه آماده سازند. کاسپار و این برگر، وزیر جنگ ریگان، اعلام کرده است که در صورت درگیری با اتحاد شوروی در منطقه خلیج فارس، آمریکا در سایر نقاط جهان حمله را آغاز خواهد کرد. معنی این سخن، تهدید اتحاد شوروی است که در صورت مداخله نظامی آمریکا در منطقه، مگر الحلی از خود نشان ندهد. از سوی دیگر، تدارکات وسیع سهیونسم اسرائیل برای حمله به سوریه ادامه دارد و به واکنش هشدار دهنده اتحاد شوروی انجامیده است.

این تحریکات نظامی امریالیستی در منطقه خاورمیانه و نزدیک، اکنون با اجرای توطئه جنگ فرسایشی عراق علیه ایران سول تر و بازبینی مناسب تر انجام می‌گیرد. سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت اعلام کرد: رژیم عراق در اجرای طرح امریالیسم آمریکا با آلوده نمودن آبهای منطقه قصد دارد جمهوری اسلامی ایران را وارد به گسترش میدان جغرافیایی جنگ نموده و در نهایت، عمل متقابل ایران را تبدیل به بی‌امای برای ورود نیروهای تجاوز سرخ آمریکا سازد.

هر روز آشکارتر می‌گردد که آمریکا از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند تا جنگ فرسایشی تحمیلی را به دستاویزی برای توطئه‌های نظامی خود در منطقه و به وسیله‌ای برای تحلیل بسردن نیروهای انقلابی و مردمی در داخل ایران و تقویت جناح محافظه کار راستگرا تبدیل سازد. با از دست رفتن فرصت در اجلاس هلی نو برای کوشش در جهت برقراری صلح، اکنون جمهوری اسلامی ایران باید از آمورتی که کنفرانس دلی نو به خانم گاندی در مورد جنگ تجاوزی عراق علیه ایران داده است، به گفته نخست وزیر برآستی "استقبال" کند. تنها از طریق یکبار گرفتن همه طرق و وسایل پایان دادن به جنگ می‌توان "صلح عادلانه" را برقرار ساخت.

## چگونه می‌توان حقوق زحمتکشان را احقاق کرد

روزنامه اطلاعات در مقاله‌ای تحت عنوان "مستضعفین" یا "ضعفا" (مندرج در شماره نهم فروردین) می‌نویسد:

نخست وزیر امسال را سال مستضعفین اعلام

کرد، و این خود، در دل حقیقت تلخی را گویا ست، و آن اینکه: در جامعه ما هنوز استضعاف وجود دارد.

مقاله سپس با اشاره به اینکه هیچکس در جامعه با کمک کردن به مستضعفین رسیدگی به آنها بطور عام مخالفتی ندارد، ادامه می‌دهد:

"ظاهر قضیه این است که همه می‌خواهند به وضع مستضعفین رسیدگی شود. اما واقع این است که برای بسیاری این رسیدگی بدون در نظر گرفتن ریشی ناپشامانها و بد بختی های اقتصادی و اجتماعی آنان، مورد نظر است."

مقاله سپس با اشاره به اینکه همین "بسیاری" با "سیستی" که در این ضعیف ساختن نقش داشته است، کاری ندارند، می‌نویسد:

"خیلی ها هستند که حاضرند میلیارد، میلیارد هم به ضعفا کمک شود و مشکلات آنها مرتفع گردد، نه تنها حاضرند، بلکه از این کار خیلی هم خوشحال می‌شوند، چرا که باری از روی دوش آنها برداشته می‌شود و جامعه دیگر فشاری بر آنها وارد نمی‌کند، لکن آنها به این شرط حاضر به این کمک رسیدگی هستند که فقط کمک به مستضعفین مطرح باشد و کاری بکار مستکبرین نداشته باشند."

نویسنده می‌افزاید:

"در واقع آنچه منشاء مخالفتها و مشکلات است رسیدگی به مستضعفین نیست، بلکه رسیدگی به مستکبرین است. از کسبه خلیفه و از بی‌تالسمال دولت هرچه می‌خواهید به فقیرها و بیچاره‌ها کمک کنید تا سرود ایشان در نیاید، اما سر راه پولدارها نیاید. مطمئن باشید هیچکس با اینگونه رسیدگی به مستضعفین مخالفتی نخواهد کرد و نه نمی‌نیز بر سر راه آن موجود نخواهد بود."

در ادامه مقاله آمده است:

"سخن بر سر این است که اگر می‌خواهیم این سال واقعا سال مستضعفین باشد، باید به تمامی معنای کلمه با استضعاف، یعنی اینکه گروهی با اصال و روش‌های خود موجب ضعف و بد بختی دیگران شوند، به مبارزه جدی برخیزیم، نه اینکه اینان را در کارهای خود آزاد بگذاریم و از آن سو با امکانات محدودمان کمک‌هایی اندک و ناچیز و موقتی و گذرا به آن در ضعف نگاه داشته شدگان بکنیم که تنها می‌تواند رمقی بیشتر برای چابیده شدن به آنها بدهد."

نویسنده سپس با تأکید بر اینکه اینگونه "رسیدگی به ضعفا" تنها داری مسکن با اثر کوتاه مدت خواهد بود، ادامه می‌دهد:

"رسیدگی به مستضعفان وقتی واقعا صدق پیدا می‌کند که از حوزه حرف و شعار، به حوزه عمل جدی و قاصانه برای ریشه کن کردن استضعاف درآید. اگر قرار باشد در جامعه استضعاف وجود داشته باشید و گردش امور طوری باشد که همه‌ای بتوانند مدعی دیگری را بچابند، مسلم است که کمترین اقدامی که به

صورت کمک‌های مقطعی و رسیدگی‌های صوری است. ثمر بخش نخواهد بود که هیچ نتیجه مکن هم خواهد داد و نپایانی خواهد شد برای آنکه دو چندان آن از مستضعفین چابیده شود."

آری، احقاق حقوق زحمتکشان، همانگونه که معاون وزارت کشاورزی نوشت (رجوع کنید به "راه توده" شماره ۳۵)، بدون محدود کردن دامنه فعالیت سرمایه‌داری، امکان پذیر نیست. "رسیدگی" واقعی به وضع مستضعفین یعنی همان "رسیدگی" به چابول صاحبان سرمایه‌ها و املاک کلان و خلخچید از آنها.

## زحمتکشان ایران از حداقل معقول سطح زندگی محرومند

آیت الله موسوی اردبیلی طی سخنانی گفت:

"امسال حرکت ما بسوی مستضعفین است و هر کس در هر جا که کاری کند باید کوشش کند که در هیچ جا استضعاف فیزی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی وجود نداشته باشد. این صحیح نیست که مردم در زحمت زندگی کنند و هدای بخاطر ضعف مالی حتی زیر زمین و پشت بسام خانه‌ها را اجاره کنند."

واقعیت نیز همین است که زحمتکشان ایران از حداقل آنچه بعنوان خوراک، پوشاک و مسکن مناسب در شأن زندگی بشری است محرومند. گرانی پیدا کرده، مسکن را صاحبان مستغلا بزرگی در جنگ دارند، کشاورزان از بهره‌وری از آنچه که می‌کارند محرومند. نماینده آمل در مجلس می‌گوید:

"مسأله‌ای که در این روزها در اکثر شهرهای شمال بصورت حاد می‌درآمده است طبعی و بیرون راندن کشاورزان از زمین‌های است که سال‌ها در آن به کشت و زرع زارمانه مشغول بوده‌اند. ما نه تنها زمینی از فئودال‌ها نگرفته و به کشاورزان ندادیم، بلکه همان زمین‌های کسه کشاورزان حتی در زمان طاقت بصورت نصف‌کار برای ارباب می‌گاشته، آن را هم از دست آنان گرفتیم."

با این شدت گرانی ما به محتاج عمومی، مخلص درگاه سرمایه در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند فشار هرچه بیشتری را متوجه زحمتکشان سازند. محسن معتد رضایی قائم مقام وزارت کار ضمن اعلام تصمیم اخیر شورای عالی کار مبنی بر ثابت ماندن حداقل دستمزد کارگران در سال جاری گفت: "با توجه به وضعیت کشور در رابطه با جنگ تحمیلی عراق و محاصره غیر مستقیم اقتصادی و با توجه باینکه هرگونه افزایش دستمزد در افزایش نرخ تورم بدون اینکه کمک چندانی در افزایش قدرت خرید کارگران داشته باشد، تأثیر خواهد گذاشت و سبب بالا رفتن قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید آن دسته از اقشار جامعه که افزایش حقوق ندارند خواهد شد." (۱)

مردم زحمتکشان ایران در پاسخ به آقای معتد رضایی می‌گویند: آقای قائم مقام وزیر کار! بروید گریبان آنها را بگیرید که بی‌سول آیت الله شهید صدوقی و آیت الله ملکوتی، سود‌های خود را چندین برابر کرده‌اند. آنها هستند که "سبب بالا رفتن قیمت‌ها" هستند، نه بقیه در صفحه ۱۹

# درسهایی از قیام دلیرانه مردم آذربایجان، گیلان و خراسان

۶۳ سال از قیام مردم آذربایجان برهبری شیخ محمد خیابانی و ۶۲ سال از آغاز قیام مردم خراسان برهبری کتل محمد تقی خان پسیان گذشت.

هریک از این قیامها تجلی اوج جنبش ضد امپریالیستی و رهایی بخش ملی مردم ایران پس از قیام تنباکو و انقلاب مشروطیت بود که، علل عمیق اجتماعی - اقتصادی و سیاسی داشت.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی انبیسر شرایط مساعد جهت گسترش جنبش های رهایی بخش ملی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک در کشور های مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آمد.

در ایران انقلاب دموکرات ها برهبری شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، جنبش جنگل پنه سرکردگی میرزا کوچک خان در گیلان، قیام مردم خراسان برهبری کتل محمد تقی خان پسیان در سالهای (۱۳۰۰ - ۱۲۹۸) همه به سبب تشدید تضادهای درونی جامعه ایران و در شرا مساعد بین المللی پس از پیروزی اکثریت کبیر رفیع گرفت و به موفقیت هایی هر چند موقتی، نیز دست یافت.

علل اصلی قیام های آذربایجان و خراسان را باید در اهداف آنها جستجو کرد. تمامی جنبش های مردمی ایران آن روز از طرفی علیه رژیم فاسد اشرافی و ارباب رعیتی و از طرف دیگر علیه تسلط روز افزون امپریالیسم بوده است.

به شهادت اسناد موجود، قیام آذربایجان و خراسان طبق نقشه پیش بینی شده توسط دموکرات ها تنها تدارک دیده می شد. قیام از پیش بینی جدی سوسیال دموکرات های ایران برخوردار بود. اما متأسفانه عدم هماهنگی بین این سه بخش از جنبش

ضد امپریالیستی مردم ایران منجر به شکست این قیام ها شد.

قیام پیروزوند در آذربایجان و خراسان نتوانست به گونه ای متشکل و بیگانه شهرهسا، تصیبات و دها را فرا گیرد. انقلاب برای دفاع، تحکیم و گسترش دستاورد های خود تدارک لازم و کافی زانند و شکست خورد. لیکن اهداف و مقاصد والایی که این قیامها نیل بدان را وظیفه عمده خود قرار داده بودند، چیزی نبود که بطی سرکوت آنها را بین پیروز و وظایف اساسی اجتماع اقتصادی و سیاسی که در مقابل جامعه ایران قرار داشت، محل قاطع خود را طلب می کرد. سرکوب انقلاب ها و قیامها، اصلاحات نیم بند و وعده و وعید ها چیزی نبود که به تواند مسائل اساسی جامعه را به شیوه ای بنیادی حل کند.

درس عبرت آموز آن قیامهای تاریخی یار دیگر به وجهی انکارناپذیر به اثبات می رساند که موجود آرزوهای مقدس و آمال والای آزاد خواهی، بیمن دوستی و استقلال طلبی، غیر خواهی، نیک اندیشی و جوانمردی که خیابانی و میرزا کوچک خان و محمد تقی خان پسیان از مظاهیر برجسته همه آنها بودند، برای حفظ، تحکیم و گسترش یک جنبش انقلابی به تنهایی به هیچوجه کافی نیست. هر انقلاب بنیادی اجتماعی، پس از پیروزی اولیه نیز، هیچگاه از رویارویی سرسختانه دشمنان طبقاتی خلق زحمتکش همچون راستگرایان امروزی، از توطئه ها، خرابکارها و دستبردهای ضد انقلاب داخلی و خارجی صبور نبوده و نیست. بر اساس تجربیات مکرر تاریخی است که گفته اند: انقلاب باید بتواند از خود دفاع کند!

# روزهای دشوار اوپک

هفته نامه "عصر جدید" چاپ شوروی در شماره ۶ سال جاری خود در مقاله ای تحت عنوان "حق ضمن اشاره به بحران شدید سیستم جهانی سرمایه داری می نویسد:

"این بحران کشورهای در حال توسعه به ثروت مند، یعنی کشورهای تولید کننده نفت را نیز بی نصیب نگذاشته است. کاهش عمومی تولیدات صنعتی در غرب و اقداماتی که برای صرفه جویی در مصرف انرژی صورت گرفته است، مصرف جهانی نفت و در نتیجه تولید نفت را بطور قابل ملاحظه کاهش داده است."

مقاله با ذکر اینکه بین سال های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۱ تولید کل نفت از ۲۵ میلیارد بسته ۲۲ میلیارد تن رسید و در سال ۱۹۸۲ به کمتر از ۲۰ میلیارد یعنی به سطح سال ۱۹۷۰ تنزل کرد، می نویسد: "از این رو سهم اوپک در تولید نفت جهان سرمایه داری از ۶۴ درصد و سیس به ۴۸ درصد رسید."

سیس گفته می شود: "در عرض مکزیک، بریتانیا و نروژ سرعت مواضع کشورهای عضو اوپک را در بازارهای سرمایه داری اشغال می کنند. بازارهای ارقام در باره تولید نفت این کشورها که افزایش چشمگیری نشان می دهد، آمده است و نتیجه گیری شده که "تخیزات ساختاری در بازار نفت سرمایه داری مواضع اوپک را تضعیف کرد و قدرت آنرا در تعیین قیمت ها کاهش داده است."

در رابطه با کاهش قیمت نفت، مقاله به اینسن امر اشاره دارد که مکزیک، بریتانیا و نروژ اخیراً افزایش صدور نفت و فروش آن به قیمتی کمتر از نرخ های تعیین شده توسط اوپک در مارچ ۱۹۸۲، در پایین آوردن قیمت نفت نقش مؤثر داشتند و نیز ذکر می گردد که کمپانی های بین المللی نفت به منظور کاهش مقدار نفت انبار شده، قیمت را بطور قابل توجهی پایین آوردند. همچنین اشاره شده که برخی کشورهای اوپک نیز بنا به نیاز خود به پول، بدخواه خود از سهمیه ای که توسط اوپک بر آنها تعیین شده بود بیشتر تولید کردند و در همین حال قیمت نفت را کاهش دادند.

مقاله با اشاره به اجلاس اواخر ژانویه اوپک و اختلاف میان ایران و عربستان سعودی، علت عدم موفقیت این اجلاس را سرباز زدن عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و قطر از اعضای موافقت نامه مینی بر تعیین سهمیه های جدید تولید می داند و می نویسد:

"تا وقتی که رکود (در بازار نفت سرمایه داری) ادامه دارد، که به نظر می رسد برای همیشه ادامه داشته باشد، اوپک ممکن است بسیاری از مواضعی را که در سال های گذشته به سختی بدست آورده بود از دست بدهد."

مقاله در حاشیه می نویسد:

"اختلافات درون اوپک به نفع امپریالیست ها است. امید است که بالاخره عقل سلیم همبستگی در این سازمان با نفوذ کشورهای مادرز کننده نفت حاکم شود، وگرنه هر یک از اعضا اوپک مجبورند دوباره با انحصارات امپریالیستی بسته تنهایی مواجه شوند."

# در هفته ای که گذشته

بنده از صفحه ۱۸۰ دستمزد چند روز ما را در شراحتی که نسبت به یک سال پیش قیمت ها افزایش چشمگیری (در برخی موارد چند برابر) نشان می دهند، تصمیم "شورای عالی کار" مبنی بر ثابت نگه داشتن حداقل دستمزد به پیمانسه "نور" و "جنگ" و غیره، ذهن کجی به زحمتکشان ایران است. اما باید اذعان داشت که حتماً تنها راستگرایان به همین حقوق ناچیز زحمتکشان نیز نتوانسته است مردم را از صحنه مبارزه بیرون کند. به عنوان نمونه، باید مبارزه روستائیان را ذکر کرد. در بسیاری از روستاها، زنان و کودکان بر روی زمین خوابیده اند و مانع از ورود تراکتورهای ارباب به زمین های شده اند که با دستهای خود آنها را آباد کرده اند. در مواردی در برابر احکام حکام شرع در مورد باز پس دادن زمین به اربابان از آماج های مردمی انقلاب دفاع کردند و اعلام داشتند فرزندان ما را که در راه دفاع از انقلاب در جبهه ها شهید شده اند به ما بازگردانید تا زمینها را به اربابان

غاصب واگذا رکنیم. در بسیاری موارد نهادها و نیروهای مبارز مسلمان و پیرو آماج های مردمی خط امام جانب دهقانان را گرفتند. مثلاً در روستای محمد تقی کندی از توابع بخش گومسی مجموعاً ۵۰۰ هکتار زمین زراعی وجود دارد که ۳۰۰ هکتار آن توسط ۵۰ خانوار روستایی کشت می شود و ۲۰۰ هکتار باقی را فردی بنام حاج عباس حسین زاده آزاد، ساکن اردبیل در تملک خود دارد. اخیراً روستائیان و اعضای شورای اسلامی روستا، در یک نشست همگانی تصمیم می گیرند حال که ۱۰۰ هکتار زمین روستا، از جانب ارباب بلاکایت رها شده است، زمینهای مزبور را دسته جمعی به زیر کشت ببرند. این تصمیم را عملی می سازند. بدنیال این اقدام، بر اثر شکایت مالک، تعدادی از اعضای شورای دستگیر و به دادگاه مشکین شهر اعزام می گردند. دادگاه اعضا، شورای را محکوم می کند و حکم به در اختیار گرفتن زمین توسط ارباب می دهد. اعضای شورا پس از آزادی از زندان، در یک نشست همگانی، دیگر، به اتفاق همه روستائیان تصمیم به مقاومت می گیرند و همه زمینهای روستا را به زیر کشت می برند.

سپاه و جهاد گومی از روستائیان حمایت می کنند.



### مصاحبه یوری آندروف

یوری آندروف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی مصاحبه‌ای با روزنامه پراودا سخنرانی اخیر ریگان پیرامون برنامه‌های جدید تسلیحات هسته‌ای را مورد بررسی قرار داد.

وی ضمن تأکید بر اینکه برنامه‌های جدید ریگان سابقه تسلیحاتی را به مرحله‌ای جدید خواهد گشاند، افزود: دولت آمریکا همچنان سنگبیری خطرناک را دنبال میکند و وی گفت: هر تلافی برای کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی بهبود است. اتحاد شوروی هرگز چنین اجازه‌ای به طرف نداده و در مقابل هیچ خطری غیر مسلم نخواهد ایستاد. وی افزود: میگذارد در راهننگین این مطلب با تمام عواقبش درک شود. آنها باید فکریافتن طرق جدیدی برای انجام جنگ هسته‌ای با آنها پیدا کنند. پیروزی در آن را برای همیشه از مغز خود دور کنند.

وی گفت: اگرچه رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی‌اش اتحاد شوروی را مخاطب قرار داده است، اما این مسئله نیست که به تمام خلقهای جهان مربوط میشود. باید بطور روشن دید که سیاستمداران آمریکایی میکوشند کشورهای اروپائی را به گروه‌های هسته‌ای خود تبدیل کنند. شیوه عمل واشینگتن تمام جهان را مورد مخاطره قرار داده است. امروز باید تمام تلاشها را متوجه جلوگیری از وقوع فاجعه هسته‌ای ساخت. ما آمریکا را فرا میخوانیم تا در این جهت گام بردارد.

### باز هم محکومیت نژادپرستان

کنفرانس بین‌المللی همبستگی با کشورهای خطبندم جبهه "در لیبسون پایتخت پرتغال به کار خود پایان داد. در این کنفرانس که نمایندگان از بیش

از ۱۷ کشور و سازمانهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، شورای جهانی صلح، سازمان وحدت آفریقا و شورای جهانی کلیساها در آن شرکت داشتند برنامه عملی برای دعوت کشورهای انجامه‌ها از انبساط اقتصادی علیه رژیم نژادپرستان پرتوریا، ترویج ساختن آن در جهان تهیه شد. آنها همچنین خواستند تا کارزار همبستگی با خلق آفریقای جنوبی، کشورهای هم‌مرز آن و خلق ناپییاسازمانهای سوایپور کنگره ملی آفریقا تشدید شود. در این کنفرانس روشنی‌نمایان شد که بدون کمک‌های آمریکا و همپیمانانش رژیم پرتوریا یک لحظه نیز قادر به ادامه حیاتش نخواهد بود.

در این کنفرانس نقش خراب کشورهای "گروم‌اس" در بره ترویج نداشتن استقلال ناپییاسازمانها محکوم شد. دخالت رادامورد داخلی آنگولا و بمیان کشیدن حضور نیروهای کوبانی در این کشور مورد اعتراض فوکت کنندگان در کنفرانس قرار گرفت.

### بزرگترین تظاهرات پس از کودتای ۱۹۷۳ در شیلی

زمین زیر پای دیکتاتور شیلی میلرز در هفته گذشته در شهرهای بزرگ شیلی ده‌ها هزار تن بخیا با آنها ریختند تا در گرد هم آئینها و راهپیماییهای اعتراضی شرکت کنند. تظاهرات کنندگان علیه رژیم شعار میدادند و اعلامیه پخش میکردند. بر خورد های زیادی با پلیس رژیم دیکتاتوری انجام گرفت. رویدادها در سانتیاگو پایتخت شیلی توانائی تر از نقاط دیگر بود. حتی وسائل ارتباط جمعی کنترل شده نتوانستند دامنه وسیع آنها را منعکس نکنند. مخازه‌ها بسته بود و مردم با وسائل گوناگون در برابر هجوم پلیس مقاومت میکردند. شعار اصلی تظاهرات کنندگان این بود: "آزاد بود کراسی هم اکنون! در شهر والپارایسو شبکه برق رسانی قطع شد. در شهر کنسپسیون بسیاری ماشینهای لوکس به آتش کشیده شد. صد ها نفر توسط پلیس بازداشت شدند. در شهر تموکو واقع در جنوب شیلی دهقانان سرخ پوست و بی‌شهران علیه سیاست دولت که از مملکتان و سرمایه‌داران بزرگ حمایت میکند شدیداً اعتراض کردند و تصمیم گرفتند بدهی

خود را به بانکها نپردازند. خیرگزارنها این روز اعتراض را بزرگترین عمل توده‌ای علیه رژیم دیکتاتوری آرژانتینی کردند. بنظر فرانس پرس مردم به خیابانها ریختند تا علیه بیکاری فزاینده، گرانی و عملاً محومه سیاست دولت که شیلی را به لب پرتگاه فاجعه اقتصادی کشانده است اعتراض کنند.

رژیم دیکتاتوری کوشید از پخش اخبار مربوط به این تظاهرات در خارج جلوگیری کند. اما همین اخبار جسته و گریخته‌ای که به خارج درز کرده بقدر کفایت گواست. اینک باید در انتظار افزایش موج همبستگی با مردم شیلی بود.

### فلسطین

یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرائیه سازمان آزاد بیخشی فلسطین در دمشق اعلام داشت که تا کنون تظاهرات علیه دانشجویان، کودکان و زنان و ساختن آبادیهای یهودی نشین و حمله به اماکن مقدسه اسلامی نمیتوان خلق فلسطین را از سرزمین خود راند.

وی از مقاومت خلق فلسطین در مناطق اشغالی غلیظترها و اعمال اسرائیل و امپریالیسم آمریکای قدر دانی کرد.

همچنین در هفته گذشته اعلام شد که یسک هیئت از سازمان آزاد بیخشی فلسطین با نمایندگان حزب کمونیست اسرائیل ملاقات کرد و پیرامون مسائلی مختلف مورد علاقه دو طرف به گفتگو پرداخته اند. در این ملاقات حزب کمونیست اسرائیل حمایت بید ریع خود را از خواستهای عادلانه خلق عرب فلسطین برای بازگشت به سرزمین خود و تشکیل دولت مستقل فلسطینی را اعلام و دولت اشغالگر اسرائیل را فراخواند تا پشتمرزهای سال ۱۹۴۷ عقب‌نشینی کند.

**کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!**

عطا، آمریکا ۳۰۰ دلار  
الف، هایدلبرگ ۲۰۰ مارک

**RAHE TUDEH**  
No. 36  
Friday, 8 Apr. 83  
Address: Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

راه تووه

Prices:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1	DM	Italy 600
France 3	Fr.	U.S.A. 40
Austria 8	Sch.	Sweden 3
		Skr.

### نشریات حزب توده ایران را در آمریکا از این کتابفروشی‌های می‌توانید تهیه نمایید

<b>SAN FRANCISCO, CA 94110</b> The Book Center 518 Valencia St. 415-626-2924	<b>LOS ANGELES, CA 90017</b> Progressive Bookshop 2711 W. Pico Blvd. 213-732-8435	<b>TUCSON, AZ 85701</b> Campana Books 1025 N. Grande Ave. 602-882-8301
<b>NEW YORK CITY, NY 10011</b> Unity Book Center 237 W. 23 St. 212-242-2934	<b>WASHINGTON, DC 20009</b> Salt of the Earth 1762 Columbia Road N.W. 202-667-1770	<b>BALTIMORE, MD 21201</b> New Era Book Shop 408 Park Ave. 301-539-6364
<b>CHICAGO, IL 60605</b> Modern Book Store 407 S. Dearborn St. Suite 230 312-663-9076	<b>PORTLAND, OR 97204</b> John Reed Bookstore Dekum Bldg, Room 613 519 SW 3 Ave. 503-227-2902	<b>DETROIT, MI 48203</b> Global Books 16145 Woodward Ave. Highland Park 313-883-4940
<b>PHILADELPHIA, PA 19119</b> W.E.B. Du Bois Bookstore 930 N. Marshall St. 215-629-9096	<b>CLEVELAND, OH 44113</b> All Peoples Books 4307 Lorain Ave. 216-281-7141	<b>SAN JOSE, CA 95110</b> Bread & Roses Bookshop 950 So. First St. 408-294-2930